

طرح انحلال سازمان امور عشایر کشور
در شورای عالی اداری بررسی می‌شود



سرنوشت عشایر روی میز دولت

روایت نسل دن کیشوت؛ نسلی که با ایمان به تحصیل و کار به میدان آمد، اما قواعد بازی اقتصاد عوض شده بود

حسرت یک زندگی معمولی



پزشکیان برای تحقق نهضت مدرسه‌سازی «آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت» را قربانی کرد

عدالت آموزشی با بیل و کلنگ محقق نمی‌شود

محاصره کنشگران صلح در دریای آزاد

آنها مقابل چشم‌هایمان «گرتا»
را از موهایش گرفتند، کتک زدند و مجبور
کردند پرچم اسرائیل را بیوسد

«شرق مازندران» گلوگاه مهاجرت شکاری‌ها

گفت‌وگو با «وحید آقایی» درباره هویت‌زدایی
معماری معاصر اصفهان

نصف جهان نیمه‌جان؟

چهاردهمین زن برنده نوبل پزشکی کیست؟

«مری برانکو» علیه بیماری‌های خودایمنی

یادداشت

نجات دریاچه ارومیه با واگذاری داوطلبانه آب

علی حاجی‌مرادی |
کارشناس منابع آب |

آماده شوند. این درس‌ها که از همین سال تحصیلی آغاز می‌شوند، بخشی از تدابیری هستند که در برنامه‌های ۱۰ ماده‌ای برای حفاظت از کشوری که در خط مقدم تغییرات اقلیمی قرار دارد، پیش‌بینی شده‌اند. سانچز در اول سپتامبر گفت: «اگر نمی‌خواهیم اسپانیایی خاکستری از آتش و شعله‌ها یا اسپانیایی قهوه‌ای از سیلاب‌ها را برای فرزندانمان به ارث بگذاریم، به اسپانیایی سبزی نیاز داریم.» نخست‌وزیر اسپانیا از سیاستمداران و مردم اسپانیا می‌خواهد برای آنچه او «یک پیمان بزرگ دولتی» برای مقابله با بحران اقلیمی می‌نامد، متحد شوند. او از مردم کشور خواست: «بیباید مسأله ایندژنوزیک را کنار بگذاریم و به عقل، علم و منطق گوش دهیم.» و افزود نیازی فوری به «سیاست‌های مبتنی بر عقل سلیم برای مقابله با وضعیت‌های اضطراری و مبارزه با تغییر اقلیم» وجود دارد. باین‌حال، فراخوان‌های او از سوی حزب محافظه‌کار مخالف مردم (PP) رد شده است: حزبی که سانچز و دولت‌ش را به کوتاهی در حفاظت از مردم اسپانیا و اموالشان در برابر آتش‌سوزی‌های جنگلی متهم کرده است. یک سخنگوی حزب مردم ماه گذشته گفت: «پیمان‌های دولتی شعله‌ها را خاموش نمی‌کنند و آنچه را از دست‌رفته بازمی‌گردانند.»

خبر

وزیر راه‌وشهرسازی: کریدور آذربایجان-نخجوان از محور ایران همچنان پابرجاست

وزیر راه‌وشهرسازی با بیان اینکه کریدور ریلی و جاده‌ای کلاسه (ارس) در حال حاضر بر بخش جاده‌ای آن تأکید دارد، گفت: این مسیری است که کشور آذربایجان را از خاک ایران دویار وارد نخجوان می‌کند. بنابراین، همچنان این کریدور با محوریت ایران مطرح‌شده مبنی‌بر حذف ایران از مسیر ترانزیتی مالوچرد، وزیر راه‌وشهرسازی، درباره اعداهای مطرح‌شده مبنی‌بر حذف ایران از مسیر ترانزیتی زنگرور و مبادلات ترانزیتی ایران در این مسیر با وقوع تحولات اخیر و توافق صلح و توسعه گفت: «حذف ایران از این کریدور اساساً معنا ندارد. کریدور ریلی و جاده‌ای کلاسه (ارس) که کشورمان در حال حاضر بر بخش جاده‌ای آن تأکید دارد، مسیری است که کشور آذربایجان را از خاک ایران دویار وارد نخجوان می‌کند و این مسیر ادامه دارد. بنابراین، همچنان این کریدور با محوریت ایران همچنان پابرجاست.» او ادامه داد: «آن مسیری

این کریدور را به سرانجام برسانیم.» وزیر راه‌وشهرسازی همچنین درباره تضمین عبور بار روسیه و آذربایجان از مسیر راه‌ان رشت-آستارا بیان کرد: «عدد و رقم پیش‌بینی‌شده این است که مسیر رشت-آستارا ظرفیت عبور ۱۵ میلیون تن بار را داشته باشد؛ اما نکته مهم این است که پنج میلیون تن با تقاضای بین آذربایجان و روسیه تضمین شده است. توجه داشته باشیم ریل آذربایجان موجود و حاضر است، اما به‌دلیل مسیر ریلی رشت-آستارا وارد تعامل و مفاهمه شده و تضمین عبور حداقل پنج میلیون تن بار را دریافت کرده است.»
صادق تأکید کرد: «وقتی کشور واسط تضمین پنج میلیون تن بار را گرفته، قطعاً روسیه هم این مسیر را برای انتقال بار انتخاب می‌کند. نکته مهم دیگر این است که تاجر هندی و پاکستانی بیشترین پیگیری را برای راه‌اندازی این مسیر ریلی دارند، چراکه متوجه‌اند که اتصال ۱۶۲ کیلومتر راه‌آهن تا چه میزان در کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل بار مؤثر است.» ایلنا

خبر

رکوردشکنی مجتمع مس سرچشمه در تولید کاتد و مفتول مسی در نیمه نخست سال

به گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، این مجتمع در شش‌ماهه نخست اسما سال موفق به ثبت رکورد جدیدی در تولید کاتد و مفتول مسی شد. مهندس سعید کوهستانی، رئیس عملیات امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌های مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، با اعلام این خبر گفت: این دستاورد در شرایطی حاصل شد که واحدهای تولیدی با چالش‌هایی از جمله محدودیت تأمین انرژی و تبعات جنگ ۱۲ روزه مواجه بودند. وی افزود: امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای اقداماتی همچون افزایش دانسیته جریان، کاهش زمان راه‌اندازی سکشن‌ها، تثبیت راندمان جریان در سطح بالای ۹۵.۵ درصد و انجام موفق عملیات اورهال در تیرماه، توانست گام بلندی در تحقق اهداف تولید بردارد. کوهستانی با قدردانی از تلاش کارکنان و مدیران این مجموعه تصریح کرد: «این موفقیت بزرگ، نتیجه همت والای پرسنل خودم، هدایت‌های راهبردی معاونت تولید و لطف پروردگار متعال است.»
وی در تشریح جزئیات عملکرد تولید اظهار داشت: «در نیمه نخست اسما سال میزان تولید کاتد به ۸۶ هزار و ۵۷۷ تن رسید که با افزایش هزار و ۸ تن نسبت به برنامه پیش‌بینی‌شده، تحقق ۱۰۱.۲ درصدی اهداف تولید را رقم زد.»
به گفته‌ی رئیس عملیات امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌های مجتمع مس سرچشمه، بخش تولید مفتول نیز عملکردی فراتر از انتظار داشته است. وی افزود: «در این بخش با انجام

اطلاع‌رسانی |

رکوردشکنی مجتمع مس سرچشمه در تولید کاتد و مفتول مسی در نیمه نخست سال

کوهستانی در پایان خاطرنشان کرد: «با راه‌اندازی رکتیفایرهای جدید، جایگزینی سلول‌های فرسوده الکترولیز با سلول‌های نو و بهره‌برداری از خط جدید تولید مفتول هشت میلی‌متری با فناوری روز دنیا (پراپرزی)، شاهد افزایش تولید و سودآوری بیشتر برای شرکت ملی صنایع مس ایران خواهیم بود.»

اورهال نسوز کوره هلدینگ، تعمیر اساسی گیربکس استندها و کاهش توقفات خط تولید، میزان تولید مفتول هشت میلی‌متری به ۱۶ هزار و ۴۷۴ تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵۰۰ تن (معادل ۳.۴ درصد) افزایش و در مقایسه با برنامه تعیین‌شده ۱۴۷۴ تن (معادل ۹.۸ درصد) رشد داشته است.»

به گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، این مجتمع در شش‌ماهه نخست اسما سال موفق به ثبت رکورد جدیدی در تولید کاتد و مفتول مسی شد. مهندس سعید کوهستانی، رئیس عملیات امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌های مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، با اعلام این خبر گفت: این دستاورد در شرایطی حاصل شد که واحدهای تولیدی با چالش‌هایی از جمله محدودیت تأمین انرژی و تبعات جنگ ۱۲ روزه مواجه بودند. وی افزود: امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای اقداماتی همچون افزایش دانسیته جریان، کاهش زمان راه‌اندازی سکشن‌ها، تثبیت راندمان جریان در سطح بالای ۹۵.۵ درصد و انجام موفق عملیات اورهال در تیرماه، توانست گام بلندی در تحقق اهداف تولید بردارد. کوهستانی با قدردانی از تلاش کارکنان و مدیران این مجموعه تصریح کرد: «این موفقیت بزرگ، نتیجه همت والای پرسنل خودم، هدایت‌های راهبردی معاونت تولید و لطف پروردگار متعال است.»
وی در تشریح جزئیات عملکرد تولید اظهار داشت: «در نیمه نخست اسما سال میزان تولید کاتد به ۸۶ هزار و ۵۷۷ تن رسید که با افزایش هزار و ۸ تن نسبت به برنامه پیش‌بینی‌شده، تحقق ۱۰۱.۲ درصدی اهداف تولید را رقم زد.»
به گفته‌ی رئیس عملیات امور پالایشگاه و ریخته‌گری‌های مجتمع مس سرچشمه، بخش تولید مفتول نیز عملکردی فراتر از انتظار داشته است. وی افزود: «در این بخش با انجام



خبر

کشف ذخایر جدید نفت و گاز در میدان «پازن» فارس

وزیر نفت از کشف ذخایر جدید نفت و گاز در پازن استان فارس خبر داد و گفت: این اقدام اکتشافی ذخایر گازی درجای کشور را ۱۰ هزار میلیارد فوت‌مکعب افزایش داده است. گفت: «این میدان ۱۰ تریلیون فوت‌مکعب گاز دارد. برآورد می‌شود حدود ۴۰ ماه آینده، امکان برداشت از این میدان فراهم شود.» پاک‌نژاد افزود: «نکته قابل توجه درباره این میدان آن است که برای نخستین بار، در ادامه عملیات اکتشافی، همکاران در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در عملیات حفاری وارد لایه‌ای افقی شده‌اند که دست‌کم ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خام در خود جای داده است. بدیهی است با مطالعات تکمیلی که در ادامه عملیات اکتشاف انجام می‌شود، احتمال دستیابی به حجم‌های بالاتری از ذخایر نیز وجود دارد.» ایلسا



بحران کم‌آبی را جدی بگیریم

یادداشت 

اهمیت توسعه بازار و توانمندسازی مدیریتتی شرکت‌های دانش بنیان



رضا کربوری |

اعضو کارگروه تخصصی فناوری وزارت علوم |

یکی از مسائل کلیدی در حوزه پارک‌های علم و فناوری، ایجاد شبکه خدمات فنی و تخصصی در این پارک‌ها با هدف رونق آنها و درنهایت کمک به اقتصاد و فناوری ملی است. از نگاه من، وجود چنین شبکه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است. پرسش اصلی اینجاست که چگونه می‌توان رشد این شبکه را تسریع کرد و دامنه نفوذ آن را افزایش داد. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه، حمایت از شرکت‌های واسطه‌گر و ارائه‌دهنده خدمات است. همان‌طورکه از یک مدیرعامل پلایشگاه انتظار داریم پروژه‌هایی را به شرکت‌های حوزه انرژی واگذار کند، وزارت علوم نیز باید بپذیرد که بخشی از پروژه‌های خود در پارک‌های فناوری را به‌صورت برون‌سپاری به کارگزاران واگذار کند. این امر به تقویت شبکه خدماتی و افزایش ارتباط میان کارگزاران کمک می‌کند.

تجربه سال‌های اخیر نشان داده است گاه ستاد پارک‌ها و کارکنان آنها همان رهیبه‌ای را در پیش گرفته‌اند که پیشین‌تر مدیران صنایع بزرگ داشتند؛ یعنی کارگزاران را رقیب خود تلقی می‌کنند یا به آنان فرصت کافی برای فعالیت نمی‌دهند. نتیجه این رویکرد، ارائه خدمات با کیفیت پایین از سوی کارگزاران و درنهایت آسیب‌دیدن مشتریان اصلی اکوسیستم، یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای فناوری، است. یکی دیگر از ضعف‌های موجود این است که بسیاری از کارگزاران تنها در سطح محلی دیده می‌شوند، درحالی‌که ترکیبی از کارگزاران محلی و ملی می‌تواند بسیار مؤثرتر باشد. افزون‌براین، باید به ظرفیت‌ها و مجوهایی که کارگزاران در سایر نهادها دارند (مانند معاونت علمی، صندوق‌ها یا پارک‌های دیگر) توجه کرد و اجازه داد از این قابلیت‌ها در شبکه بهره گرفته شود. همچنین، تخصیص گرنت به واحدهای فناوری و آزاد گذاشتن آنها در انتخاب کارگزار، همراه با ایجاد یک پلتفرم جامع خدمات تخصصی، می‌تواند به شکل‌گیری ارتباط مستقیم میان شرکت‌های فناوری و ارائه‌دهندگان خدمات کمک کند؛ ارتباطی که فراتر از مسیرهای رسمی پارک‌هاست و همان چیزی است که اکوسیستم به آن نیاز دارد. اما دربارہ اینکه چه نوع خدمات فنی و تخصصی بیشترین تأثیر را در ارتقای بهره‌وری شرکت‌های مستقر در پارک‌ها دارند، باید گفت این موضوع نسبی است و باید براساس سطح بلوغ شرکت و مرحله توسعه پارک تعیین شود. اگر شرکت‌ها در سه دسته «رشد»، «معدمتی»، «رشد» و «رشدیافته» و پارک‌ها در سه سطح «تأسیس»، «درحال توسعه» و «توسعه‌یافته» تصور کنیم، یک ماتریس سه در سه شکل می‌گیرد که نوع خدمات متناسب با آن متفاوت خواهد بود. بااین‌حال، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، توسعه بازار و آموزش ادیبان بازار است؛ زیرا بزرگ‌ترین ضعف شرکت‌های دانش‌بنیان در همین حوزه دیده می‌شود و متأسفانه پارک‌ها نیز خدمات مؤثری در این زمینه ارائه نمی‌دهند. به بیان دیگر، هر شرکت به یک بسته خدماتی شخصی‌سازی‌شده نیاز دارد، اما خدمات پارک‌ها عموماً استاندارد و یکسان برای همه است که ارزش‌افزوده بالایی ایجاد نمی‌کند. در این میان، درباره زیرساخت‌ها و منابع انسانی که برای ایجاد یک شبکه مؤثر خدمات فنی لازم است، باید تأکید کرد بزرگ‌ترین سرمایه اکوسیستم نوآوری «فراشه» و «شبکه ارتباطات» آنان است.

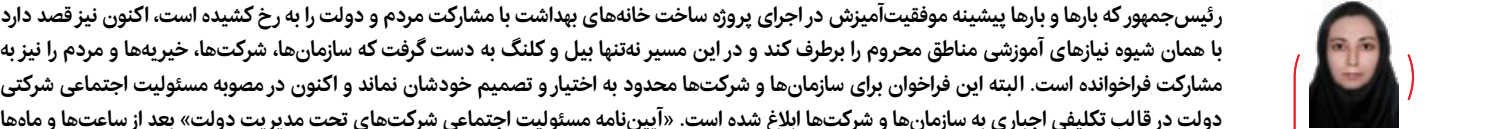
ذات اکوسیستم بر تعامل میان کنشگران استوار است و هرچه شبکه ارتباطی گسترده‌تر و اعتماد در آن بیشتر باشد، کارآمدی اکوسیستم بالاتر خواهد بود. بنابراین، توانمندسازی در جذب افراد متخصص، ایجاد شبکه‌های فعال و تقویت تعاملات، اصلی‌ترین پیش‌نیاز موفقیت است. در زمینه چگونگی ایجاد شبکه‌ای یکپارچه از خدمات تخصصی هم باید گفت این قضیه به هم‌افزایی میان پارک‌های مختلف تحت‌نظر وزارت علوم بازمی‌گردد؛ شبکه‌ای که بتواند به رشد اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند. با این توضیح که چنین شبکه‌ای تا حد زیادی وجود دارد، اما مسئله اصلی ارزیابی اثربخشی آن و شناسایی نقاط ضعف است. وزارت علوم به‌دلیل ساختار گسترده خود و تنها داشتن یک معاونت نوآوری، توانایی کافی برای مدیریت متمرکز چنین شبکه‌ای را ندارد. بنابراین، رویکرد از بالا به پایین کارآمد نخواهد بود. به‌جای آن باید مشوق‌هایی برای همکاری میان پارک‌ها در نظر گرفته شود؛ از جمله امکان اشتراک درآمد اختصاصی، تعریف گرنت‌های مشترک و حمایت‌های مالی، قانونی و رسانه‌ای. این اقدامات کمک می‌کند تا شبکه‌ها به‌صورت خودجوش و متناسب با نقاط قوت هر پارک توسعه یابند. به بیان دیگر، همان‌طورکه در نظریه فرگشت، گونه‌هایی بقا پیدا می‌کنند که بیشترین سازگاری را با محیط دارند، در اکوسیستم نوآوری نیز باید اجازه داد «نودهای قوی‌تر»، شکل بگیرند و توسعه یابند. چنین رویکردی با ماهیت اکوسیستم و نوآوری باز سازگارتر است و می‌تواند به تحقق اهداف اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند.



پزشکیان برای تحقق نهضت مدرسه‌سازی «آیین‌نامه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت» را قربانی کرد

عدالت آموزشی با بیل و کلنگ محقق نمی‌شود

کارشناسان معتقدند تأمین معلم مورد نیاز مناطق محروم و آموزش و به‌روزرسانی معلم‌ها بسیار مهم‌تر از مدرسه‌سازی است



فرح ابوطالبی |

پژوهشگر فرهنگی |

پزشکیان از همان آغاز دوره ریاست‌جمهوری خود بر مدرسه‌سازی تأکید داشته و مدام از لزوم هزینه‌کرد بودجه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها برای ساخت مدرسه گفته است. به‌گزارش تسنیم، او در تاریخ ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۳ در دومین سفر خود به سیستان‌و بلوچستان و در نشست «نهضت توسعه عدالت در فضای آموزشی با مشارکت مردم» گفت: «توسعه عدالت آموزشی، راهی است برای رفع نابرابری‌ها و ایجاد فرصت برابر برای تمام فرزندان ایران. این مسیر، نیازمند همکاری نزدیک دولت، مردم و خیرین است.» او که مدراس را «نمادی از تلاش مشترک ما برای ساختن آینده‌ای بهتر» می‌داند، نهضت مدرسه‌سازی را مصراهه دنبال می‌کند که حتی با الحاق تبره‌ای جدید به «آیین‌نامه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت»، زحمات چندماهه کمیسیون مربوطه را بی‌اثر کرد و اعلام کرد: «شرکت موظف است اولویت اصلی تخصیص اعتبارات مسؤلیت اجتماعی شرکتی خود را به امر پیشبرد برنامه نهضت مدرسه‌سازی، بازسازی و تجهیز مدارس در مناطق محروم و نیازمند اختصاص دهد. این تعهد تا زمان تکمیل ظرفیت‌های آموزشی و رفع نیازهای اساسی مدارس در این مناطق به قوت خود باقی است.»

کتاب دستور بدون کارشناسی

طبق بررسی‌های «پیام ما» این تبصره جدید بدون بررسی کمیسیون مربوطه، در جلسه هیئت وزیران تصویب و الحاق شده است. بااین‌حال «هاشم واعظی»، عضو کمیسیون اجتماعی و فرهنگی دولت، بررسی نشدن این تبصره را مشکل‌ساز نمی‌داند و به «پیام ما» می‌گوید: «این تبصره ذیل ماده ۲ است و تنها، اولویت را به مدرسه‌سازی می‌دهد؛ هنوز بندها و تبصره‌های دیگر کارکرد خود را دارند. تبصره جدید تنها بدین‌معنی است که اولویت با مدرسه‌سازی است و اول باید به آن پرداخت.»

از «بابک درایی»، مشاور اجتماعی وزیر نفت، درباره تأثیرات تبصره جدید بر فعالیت‌های اجتماعی شرکت‌های تابعه وزارت نفت پرسیدیم. او نیز معتقد است تبصره جدید خللی در فعالیت‌های اجتماعی این شرکت‌ها ایجاد نمی‌کند: «حالا با دستور رئیس‌جمهور محترم، اولویت مدرسه‌سازی است و اگر استانی نیاز به ساخت مدرسه نداشته باشد، بودجه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌های فعال در آن استان به بخش دیگری هدایت می‌شود.»

«هامون طهماسبی»، مدیر مدرسه توسعه پایدار، اما تأثیر این تبصره جدید را منفی می‌داند. او به «پیام ما» می‌گوید: «این تبصره جدید اعلام می‌کند که همه آن تبصره و بندهای قبلی را کنار بگذارید و اولویت را به مدرسه‌سازی بدهید. این اولویت زمان‌بر است و به‌گونه‌ای نیست که پروژه‌ای یک‌ماهه و دوماهه باشد و حالا‌حالا مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها به‌سمت مدرسه‌سازی هدایت می‌شود.»

طهماسبی می‌افزاید: «مدرسه‌سازی نیاز کشور است،

اما در حیطه مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها نیست. بهتر بود رئیس‌جمهور دستور می‌داد شرکت‌های دولتی موظف‌اند برای مدرسه‌سازی به دولت کمک کنند؛ چون دولت بودجه کافی برای این امر ندارد. اما اینکه این طهماسبی نیز بر مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها قرار گیرد، پذیرفتنی نیست. من فکر می‌کنم این مسئله بیشتر تحت‌تأثیر علاقه پزشکیان است.»

کتاب آموزش معلم‌ها اولویت عدالت آموزشی

این انتقادات درحالی‌است که فعالین عرصه آموزش نیز مدرسه‌سازی را راه رسیدن به عدالت آموزشی نمی‌دانند. «زهررا گیتی‌نژاد»، بنیانگذار مؤسسه «مهر گیتی» که سال‌هاست برای توسعه عدالت آموزشی تلاش می‌کند، به «پیام ما» است: «دولت، عملاً آقای رئیس‌جمهور، خیلی علاقه‌مندند عدالت آموزشی محقق شود. ولی مشکل آموزش ریشه‌ای است. مدرسه‌سازی راهکاری مقطعی است، مثل مسکن می‌ماند و مشکل را حل نمی‌کند.»

گیتی‌نژاد توضیح می‌دهد: «نیازهای آموزشی در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. در این چندساله خیرین در بخش سخت‌افزاری فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند و شاخص‌های سخت‌افزاری بالا رفته است. اما بخش نرم‌افزاری که همان بخش آموزش است، متأسفانه مغفول واقع شده. یکی از مهم‌ترین دلایل این است که بخش سخت‌افزاری مانند ساخت مدرسه و امثالهم عینی و ملموس است، اما نتیجه فعالیت در بخش نرم‌افزار آموزش، رؤیت‌پذیر و ملموس نیست و شاید چند سال طول بکشد تا تلاش‌ها برای رشد نرم‌افزاری آموزش به نتیجه برسد.»

کتاب دیده‌شدن به‌جای ارتگذاری

شرکت‌ها و سازمان‌ها نیز همچون خیرین و خیریه‌ها ترجیح می‌دهند فعالیت‌های اجتماعی راحت‌تر و دیده‌شدنی‌تری داشته باشند؛ هرچند که این فعالیت‌ها ارتگذاری بسیار محدودی دارند. فعالیت‌هایی چون مدرسه‌سازی و اهدای لوازم‌التحریر بیشترین سهم را در فعالیت‌های اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی برای کمک به تحقق عدالت آموزشی دارد؛ چنانکه شاید بهتر باشد بگوییم تنها فعالیت این بنگاه‌ها برای کمک به عدالت آموزشی است.

از «مینا کامران»، فعال حوزه آموزش، تأثیر فعالیت‌های شرکت‌ها و خیریه‌ها بر عدالت آموزشی را گویا می‌شویم. او به «پیام ما» می‌گوید: «قبل‌تر خیرین و گروه‌های خیریه و الان شرکت‌ها با کمپین‌های پر سرصدا از کمک‌هایی چون اهدای لوازم‌التحریر برای حل مشکل تحصیل دانش‌آموزان مناطق محروم می‌گویند، درحالی‌که این فعالیت‌ها از اساس اشتباه است. این، تقلیل دادن مسئله است. درواقع، علل ترک تحصیل چندوجهی و عموماً فرهنگی است. این‌گونه رفتارها و شعارها، کوچک کردن و راحت کردن مسئله است.»

کامران مشکل نبود معلم و کیفیت پایین آموزش را

مهمتر از مسئله کمبود مدرسه می‌داند: «کیفیت آموزش و شرایط معلمان بسیار بد است. به‌عنوان مثال، ما همچنان کلاس‌های شش‌پایه با یک معلم داریم و دروس تخصصی معلم ندارد.» گیتی‌نژاد و طهماسبی نیز بر کمبود سرانه معلم و فقر دانش و مهارت معلمان، تأکید دارند.

طهماسبی از نتیجه همایش «آموزش در مسیر محرومیت‌زدایی» که در سال ۹۹ برگزار شده است، می‌گوید: «از نکات کلیدی مطرح‌شده در این همایش این بود که مسئله آموزش، مدرسه نیست. مسئله، روش‌های آموزشی و افرادی است که تدریس می‌کنند و همچنین نگرش دانش‌آموزان به تحصیل.»

کتاب فرهنگ‌سازی لازمه عدالت آموزشی

طهماسبی با استناد به فعالیتش به‌عنوان مشاور مسؤلیت اجتماعی یکی از بنگاه‌های اقتصادی در استان هرمزگان می‌گوید: «در هرمزگان آمار ترک تحصیل، به‌ویژه برای پسران، زیاد است و بسیاری از مدارس این استان در حال تعطیل‌شدن‌اند؛ زیرا تحصیل را ارزشمند نمی‌دانند و قاچاق کالا درآمد بالایی برای پسران دارد.»

کامران نیز مسائلی فرهنگی را عاملی مهم در ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌داند: «ازآنجا‌که تحصیل و آموزش برای خانواده اولویت نیست، با افزایش هزینه‌ها تحصیل فرزندان حذف می‌شود. اما متأسفانه کار فرهنگی و اصولی‌ای در لیست فعالیت‌های مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها دیده نمی‌شود.»

کتاب نگاه کالبدی جایگزین آسان‌گرایی

به‌گفته طهماسبی، توجه به ساخت ساختمان ناشی از نگاه خیلی سنتی به حوزه محروم است؛ نگاهی تاریخ‌مصرف گذشته که متعلق به چند نسل قبل است، او معتقد است دیدگاه پشت تبصره جدید آیین‌نامه مسؤلیت اجتماعی شرکتی، نگاه کالبدی و مربوط به اوایل دهه ۶۰ است: «بعد از انقلاب تحت‌تأثیر محرومیت زیادی که در کشور وجود داشت، نیاز به چنین دیدگاهی بود، اما اکنون از آن مقطع گذر کرده‌ایم. اکنون می‌دانیم ساختمان به‌خودی‌خود کافی نمی‌کند و مدرسه‌ای خوب است که معلمی عاشق دارد؛ کلاس می‌تواند در کبر یا حتی زیر درختی در طبیعت تشکیل شود. دیگر وقت آن است که نگاه کالبدی و عمرانی را به نگاه اجتماعی و انسان‌گرا تغییر دهیم.

فرهنگ‌سازی و پرورش آموزگار ماهر و آموزش باکیفیت، الزامات رسیدن به عدالت آموزشی است، اما اکنون مدرسه‌سازی که شاید بتوان گفت راحت‌ترین و ملموس‌ترین و البته کم‌اثرترین فعالیت برای تحقق عدالت آموزشی است، به نهفتگی ملی بدل شده. به‌نظر می‌رسد رئیس‌جمهور با اولویت دادن به مدرسه‌سازی، در حال هدایت بودجه هنگفت مسؤلیت اجتماعی شرکتی به مسیری اشتباه و عقیم است؛ اکنون مدرسه‌سازی که شاید به ماندگاری نام پزشکیان در امر مدرسه‌سازی ختم شود، اما به عدالت آموزشی راه نمی‌برد.

یادداشت 

قلب تپنده کسب‌وکار پایدار



محمدمهدی اشرفیان |

کارشناس توسعه و تحول سازمان |

لزوم یکپارچه‌سازی اهداف توسعه پایدار و محیط کسب‌وکار، بازنگری در تعریف اصطلاحات و واژگان علم مدیریت و دنیای کسب‌وکار را ضروری ساخته است. بر همین اساس، سازمان پایدار اطلاق تحول‌گرایانه‌ای به سازمان‌های تجاری است که در آن علاوهبر اینکه کسب‌وکارهای پایدار سودآور خواهند بود، فعالانه به ایفای نقش خود در قبایل جامعه و محیط‌زیست می‌پردازند و الزامات توسعه پایدار را نه در حد شعار که به‌عنوان یک راهبرد پیش‌برنده و در هسته اصلی استراتژی‌های کسب‌وکار خود قرار می‌دهند. هرچند در گذشته چالش بنگاهداری در رقابت، کسب سود و سهم بازار بیشتر بود، لیکن در فضای رقابتی امروز که بنیان تولید متحول شده و نیازمصرف‌کننده تغییر کرده و ضرورت و اهمیت توسعه پایدار بیش از هر زمانی مسجل گردیده است، بنگاه‌های کسب‌وکار دریافته‌اند دیگر عملکرد مالی مناسب به‌تنهایی ضامن بقا و موفقیت بلندمدت نیست. آنها دریافته‌اند و یا باید دریابند که هدف‌گذاری سودمحور به‌تنهایی به کسب جایگاه رقابتی منجر نمی‌شود مگر آنکه آنها انتخاب کنند داوطلبانه و فعالانه به ایفای نقش فعال در قبایل جامعه و محیط‌زیست بپردازند و تنها در این حالت است که می‌توانند اقبال عمومی را به‌سمت خود جلب و دستیابی به سهم بازار بیشتر را کسب کنند.

بیشش شکل‌گرفته پیرامون لزوم حرکت به‌سمت سازمان پایدار با محوریت اهداف توسعه پایدار هرچند در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و تحت الزامات قانونی و مطالبات عمومی در حال پیگیری است، لیکن تسری مفاهیم و کارکردهای آن در بین سازمان‌های ایرانی و بهره‌مندی از این تغییر جهت راهبردی در سیاست‌های کسب‌وکار نیازمند آن هستیم که در سطح خرد، یعنی بنگاهداری، و در سطح کلان، یعنی سیاست‌گذاری، بر «فرهنگ سازمانی» به‌عنوان قلب تپنده هر سازمانی متمرکز شویم و از این دریچه نقشه عزیمت از سازمان سودمحور به سازمان پایدار را آغاز کنیم.

فرهنگ سازمانی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است که رفتار کارکنان و جهت‌گیری‌های استراتژیک سازمان را هدایت می‌کند. باوجوداین، پرسش اساسی اینجاست که چگونه می‌توان فرهنگی را در سازمان‌ها نهادینه کرد که نمتعهد به سودآوری باشد، بلکه نسبت به مردم، زمین و اکوسیستم نیز پاس‌نگو باشد؟ در راستای بازنگری در مفاهیم، یکی از واژگان مترقی شکل‌گرفته «فرهنگ سازمانی پایدار» است. فرهنگ سازمانی پایدار حاصل تلفیق دو حوزه علمی، نظریه‌های سازمان و فرهنگ سازمانی و نظریه‌های توسعه پایدار و مسؤلیت اجتماعی است. براساس نظریه «سه پایه پایداری»، جان الکنینگتون، فرهنگ سازمانی پایدار، فرهنگی است که در آن تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها به‌طور هم‌زمان و متوازن، سه بعد سود-مردم-سیاره را در نظر می‌گیرد. ادوارد فریمن معتقد است یک فرهنگ پایدار، فرهنگی است که منافع تمام ذی‌نفعان را شناسایی، احترام می‌گذارد و در تعامل با آنان، مسؤلیت‌پذیر است. یک فرهنگ سازمانی پیشرو و پایدار بر سه رکن اصلی استوار است: بعد اخلاقی و اجتماعی، بعد زیست‌محیطی و بعد راهبردی و یکپارچه‌سازی. در این فرهنگ، رعایت حقوق ذی‌نفعان اعم از کارکنان، مشتریان و جامعه محلی، یک اصل خدشه‌ناپذیر است. برخورد عادلانه، شفافیت در گزارش‌دهی، احترام به حقوق بشر و مشارکت در توسعه جامعه محلی، از شاخص‌های بارز آن است. فرهنگ سازمانی زیست‌محیطی، بهینه‌سازی مصرف منابع (آب، انرژی، مواد اولیه)، کاهش پسماند و آلاینده‌ها و حرکت به‌سمت اقتصاد چرخشی را به یک «هنجار» و «ارزش نهادینه‌شده» در میان تمامی کارکنان تبدیل می‌کند. از همه مهم‌تر اینکه در چنین فرهنگی ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نمی‌توانند در حاشیه استراتژی اصلی سازمان قرار گیرند. فرهنگ پایدار، این ارزش‌ها را به هسته مرکزی مدل کسب‌وکار، زنجیره تأمین، طراحی محصول و فرایندهای ارزیابی عملکرد ادغام می‌کند. برای نهادینه کردن فرهنگ پایداری در سازمان‌های ایرانی، با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور، می‌توان راهکارهایی پیشنهاد داد که در رأس آنها رهبری متعهد و الهام‌بخش قرار می‌گیرد؛ چراکه تحول فرهنگی بدون باور و تعهد جدی مدیران ارشد امکان‌پذیر نیست. تأکید جدیدی بر نقش محوری رهبران در خلق و نهادینه‌سازی فرهنگ پایدار وجود دارد. رهبر پایدار کسی است که نمتعهد بر مبنای اصول سه‌گانه پایداری تصمیم می‌گیرد، بلکه توانایی الهام بخشیدن به دیگران و ایجاد یک «حس مشترک از مأموریت» را برای تحقق اهداف پایدار دارد. آموزش و توانمندسازی مستمر کارکنان به‌منظور آشنایی با ضرورت‌ها و روش‌های عملیاتی پایداری؛ طراحی سیستم انگیزشی و پاداش‌دهی به‌گونه‌ای‌که نمتعهد عملکرد مالی، بلکه دستاوردهای اجتماعی و زیست‌محیطی کارکنان و واحدا را نیز در نظر گیرد و شفافیت و گزارش‌دهی مستمر اقدامات با هدف سنجش پیشرفت و مسؤلیت‌پذیری داخلی از جمله این اقدامات است. در پایان باید تأکید کرد تحول فرهنگ سازمانی به‌سمت ارزش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی، یک «ضرورت راهبردی» برای بقا و رقابت‌پذیری سازمان‌های ایرانی در صحنه بین‌المللی و پاسخگویی به مطالبات داخلی است. فرهنگ سازمانی پایدار که بر بنیان‌های علمی استوار است، از یک نگاه ساده زیست‌محیطی-اجتماعی فراتر و به‌طوریکپارچه در هسته کسب‌وکار قرار گرفته است. این تحول نشان می‌دهد فرهنگ پایدار، دیگر یک گزینه جنبی نیست، بلکه زیربنای ضروری برای ماندگاری و موفقیت هر سازمان در قرن ۲۱ محسوب می‌شود.



طرح انحلال سازمان امور عشایر کشور در شورای عالی اداری بررسی می‌شود

سرنوشت عشایر روی میز دولت

بیانیه فعالان ایلات و عشایر کشور: این تصمیم هم‌سو با سیاست‌های یک قرن پیش «تخته‌قاپو و اسکان اجباری عشایر» است
سیاستی که هدف آن نابودی و ریشه‌کنی عشایر بود



ستاره جنتی | روزنامه‌نگار

وقتی سازمان امور عشایری کشور مشغول تدارک جشن هرساله روز ملی ایلات و عشایر برای نیمه همراه بود، خبری تکان‌دهنده منتشر شد؛ خبری که با انتقاد یکصدای جامعه عشایری کشور که درگیر رفع مشکلات ناشی از کوچ پاییزه بودند، روبرو شد. پیش‌نویس انحلال سازمان امور عشایری تهیه شد و اعلام شد ۱۶ مهرماه در جلسه شورای عالی اداری کشور بررسی شود. بلافاصله با انتشار این خبر جمعی از فعالان محروم و تولیدکننده و مرزدار عشایر- را دریافت کردیم. این تصمیم را هم‌سو با سیاست‌های یک قرن پیش در زمینه «تخته‌قاپو و اسکان اجباری عشایر» می‌دانیم؛ سیاستی که هدف آن نابودی و ریشه‌کنی یکی از مولدترین جوامع ایران، فرهنگی کهن و بخشی از هویت اجتماعی و تاریخی این سرزمین بود.

روز عزای

بخش دیگری از این بیانیه می‌گوید: «جامعه عشایری ایران، میراث‌دار سنت‌های اصیل و پایدار این سرزمین، امروز صدای اعتراض خود را نسبت به تصمیم یادشده اعلام می‌کند و هشدار می‌دهد تضعیف این جامعه جز هم‌سویی ناخواسته با دشمنان وحدت ملی و امنیت کشور معنایی نخواهد داشت. در شرایطی که کشور بیش از هر زمان به انسجام ملی و همبستگی اقوام نیازمند است، تصمیم به انحلال سازمان امور عشایر موجب ناامنی روانی و برهم زدن آرامش اقوام خواهد شد. عشایر، مرزداران غیر و محافظان تمامیت ارضی کشور، با این تصمیم هدف قرار گرفته‌اند.»
فعالان جامعه عشایری کشور در این بیانیه اعلام کرده‌اند: «پهانه «چابک‌سازی دولت» نمی‌تواند توجیهی برای نابودی جامعه‌ای باشد که هزاران سال است در دل طبیعت، بدون اتکا به انرژی‌های آلاینده، بیش از ۲۵ درصد گوشت قرمز کشور را تأمین می‌کند و بخشی از هویت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران است. این تصمیم در تضاد آشکار و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی، حمایت از تولید و شعار سال جاری یعنی «سررمایه‌گذاری برای تولید» است، ما جامعه عشایری ایران، ضمن اعلام نارضایتی و نگرانی شدید از این تصمیم تبعیض‌آمیز، اعتراض خود را نسبت به انحلال یا ادغام سازمان امور عشایر کشور اعلام می‌کنیم و روز ملی روستا و عشایر را در اعتراض به حذف جامعه دیرپای عشایری از قشربندی اجتماعی کشور، روز عزای عشایر می‌نامیم. تا زمان لغو این تصمیم، از حضور در مراسم رسمی این روز خودداری خواهیم کرد و اعتراض خود را به شیوه‌های قانونی، مدنی و مسالمت‌آمیز ابراز خواهیم داشت. امید است مجلس شورای اسلامی و دولت محترم وفاق، با درک شرایط حساس کشور و ضرورت حفظ وحدت و همبستگی ملی، ضمن قدرانی از نقش عشایر به‌عنوان نماد غیرت، آزادگی و وطن‌دوستی، این تصمیم غیرکارشناسی را فوراً از دستورکار خارج کنند.»

برنامه چه می‌گوید؟

تصمیم دولت مبنی‌بر انحلال سازمان امور عشایر ایران در حالی اعلام شده است که حتی تکلیف برنامه هفتم پیشرفت در این بخش بر انحلال دلالت ندارد. برنامه‌ای که رئیس‌جمهوری در همه کمیسیون‌ها و برنامه‌های انتخاباتی‌اش

قرار است ۱۶ مهر شورای عالی اداری کشور در مورد طرحی برای انحلال سازمان امور عشایری ایران تصمیم‌گیری کند؛ دولت یا با انحلال آن موافقت خواهد کرد یا این سازمان را در سازمان‌های دیگری ادغام خواهد کرد. اتفاقی که در خود دولت نیز مخالفانی دارد، اما به‌اتفاق آراء، اعتراض جامعه عشایری کشور را به‌همراه داشته است. روز گذشته بیانیه‌ای از سوی فعالان و اعضای جامعه ایلاتی و عشایری کشور نگارش شده که در آن این تصمیم را هم‌سو با سیاست‌های «تخته‌قاپو و اسکان اجباری عشایر» رژیم گذشته توصیف کرده‌اند و این طرح را سیاستی با هدف نابودی و ریشه‌کنی عشایر دانسته‌اند. خبر احتمال انحلال سازمان عشایری در آستانه جشن روز ملی روستا و عشایر منتشر شده است و حالا عشایر ایران می‌گویند: «ما جامعه عشایری ایران، ضمن اعلام نارضایتی و نگرانی شدید از این تصمیم تبعیض‌آمیز، اعتراض خود را نسبت به انحلال یا ادغام سازمان امور عشایر کشور اعلام می‌کنیم و روز ملی روستا و عشایر را در اعتراض به حذف جامعه دیرپای عشایری از قشربندی اجتماعی کشور، روز عزای عشایر می‌نامیم.» معترضان به این اقدام دولت می‌گویند کشور بیش از هر زمان به انسجام ملی و همبستگی اقوام نیازمند است، اما این تصمیم ناامنی روانی و آرامش اقوام را بر هم خواهد زد.

عشایر تولید می‌شود. همچنین، عشایر به‌عنوان مرزداران این سرزمین پرگهر، ایران، همیشه حافظ مرزهای کشور و امنیت ملی بودند و هستند. سازمان امور عشایر تنها متولی مستقیم خدمات‌رسان به این جامعه تولیدگر است؛ اگر منحل شود، زندگی عشایر است که منحل خواهد شد.»
به‌گفته غنی، درصورت انحلال این سازمان، جامعه عشایری با همه ویژگی زندگی‌شان از جغرافیای ایران حذف خواهند شد: «با این اتفاق، سرریز جمعیتی به‌سمت شهرها و روستاها آن‌هم بدون برنامه، بدون شغل، مسکن و غیره اتفاق خواهد افتاد. معیشت خانوارهای عشایری که عموماً جمعیت زیادی هم دارند، دچار مشکل خواهد شد. همچنین، دولت به این موضوع فکر کند که با این تصمیم، بخشی از فرهنگ پویای کشور را از بین می‌برد. این طرح نه بی‌بوست اقتصادی دارد، نه بی‌بوست فرهنگی و اجتماعی. دولت دارد بدون مطالعه چنین اقدامی می‌کند.»

همه‌چیز از دست می‌رود

«علیرضا ترکاشوند»، یکی از فعالان اجتماعی جامعه عشایری کشور، در مورد این اقدام دولت می‌گوید: «سازمان امور عشایر ایران برای عشایر مانند خاتهای است که برای پیگیری ضروری‌ترین نیازها و مشکلاتشان به آن مراجعه می‌کنند. با ادغام یا انحلال، این هویت مستقل از بین می‌رود و نیازهای ویژه آنان در میان پروژه‌های توسعه روستایی به فراموشی سپرده می‌شود. چون به‌طور طبیعی و براساس جمعیت هم حساب کنیم، برنامه‌های دولت برای بخش روستایی بسیار بیشتر از بخش عشایری است. واقعیت این است که اساساً مشکلات یا نیازها و مطالبات این دو بخش اصلاً از یک سنخ نیستند.» او ادامه می‌دهد: «موضوع دیگری که باید مورد توجه دولت قرار بگیرد، این است که این سازمان تنها نهاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تخصصی حوزه عشایر است و اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای و پیگیری مطالبات عشایر از دستگاه‌های دیگر هم از وظایف این سازمان است. این سازمان طرح‌های مختلفی در حوزه‌های تأمین آب، راه برداشت تسهیلات برای دام و زنجیره تولید، توسعه صنایع‌دستی، کشت گیاهان دارویی و گردشگری عشایر انجام می‌دهد. پراکنده‌شدن این وظایف و افزایش سرکراسی، باعث کاهش سرعت اجرای این اقدامات و پیامدهای منفی برای عشایر است. از سوی دیگر، سازمان امور عشایری به‌عنوان یک سازمان هماهنگ‌کننده امور عشایری، به‌ویژه در بخش تولیدات عشایری نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت غذایی، مدیریت مراتع و منابع طبیعی، حفظ تنوع زیستی، جلوگیری از فرسایش خاک و حتی حفظ

سازمان امور عشایری ایران کجاست؟

ادارای برای ایلات و عشایر کشور برای نخستین‌بار در دوره حکومت «ناصرالدین‌شاه قاجار» در ایران شکل گرفت. پس‌از آن، در اوایل سلطنت «مظفردالدین‌شاه قاجار» در تهران، شورای عشایری به‌عنوان نخستین ساختار حقیقی برای رسیدگی به امور عشایر ایجاد و شعبه‌ای از آن نیز در شیراز راه‌اندازی شد. در دوران پهلوی برای اجرای سیاست «اسکان عشایر»، دفتر موسوم به دفتر آبادانی مناطق عشایری ایجاد و پس‌از آن، در سال ۱۳۲۵ به‌منظور ساماندهی به امور عشایر، شورای به‌نام

امنیت مرزهای کشور دارد. من فکر نمی‌کنم انحلال یا ادغام این سازمان نه به‌نفع جامعه عشایری باشد و نه به‌نفع کشور.»

سازمان همچنان کار است

«جهانبخش میرزاوند»، رئیس این سازمان، نیز با کارشناسان و فعالان جامعه عشایری کشور هم‌صداست. او تأکید می‌کند این تصمیم (انحلال سازمان) هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده و آنها از دلایل آن بی‌خبرند: «گفته می‌شود انحلال این سازمان قرار است در جلسه شورای عالی اداری در روز چهارشنبه ۱۶ مهر بررسی شود. هیچ‌یک از ویژگی‌های یک سازمان ناکارآمد- مانند تعداد زیاد پرسنل یا هزینه‌های بالا- در مورد سازمان امور عشایر صدق نمی‌کند. این سازمان از جنبه‌های مختلفی، از جمله تولید ۲۵ درصد از گوشت قرمز کشور و ۳۵ درصد صنایع‌دستی، نقشی اساسی در اقتصاد کشور دارد.» او تأکید کرد: «این اقدام به‌نظر می‌رسد اقدامی غیرکارشناسی باشد و می‌تواند به خدشه وارد کرد. به ارائه خدمات ضروری به جامعه عشایری منجر شود.» او همچنین به شبکه تعاونی‌های عشایری که در سطح کشور فعالیت می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «درصورت انحلال سازمان، این تعاونی‌ها با مشکلات جدی در ارائه خدمات به جامعه عشایری روبرو خواهند شد. ممکن است این وضعیت منجر به مهاجرت بخشی از عشایر به حاشیه شهرها و روستاها و در نتیجه افزایش ناآرامی‌های اجتماعی شود. اگر هدف از این تصمیم کوچک‌سازی دولت و کاهش هزینه‌هاست، سازمان امور عشایر در این زمینه در اولویت قرار نداد و نیاز است که انحلال یا ادغام آن نیست. ما از مسئولان می‌خواهیم دلایل کارشناسی خود را در مورد این تصمیم ارائه دهند.» میرزاوند می‌گوید: «با همه آنچه گفته شد، همچنان امیدواریم تصمیم‌گیرندگان با توجه به واقعیت‌های پیچیده زندگی عشایری و نقش آنها در امنیت‌غذایی و توسعه کشور، از این اقدام غیرکارشناسی جلوگیری کنند. جامعه عشایری نهن‌ها یک بخش اقتصادی، بلکه یک بخش فرهنگی و تاریخی از ایران به‌شمار می‌آید که باید با حمایت‌های بیشتری مواجه شود.» به‌نظر می‌رسد بخش‌های مهمی از دولت هم با این تصمیم مخالف‌اند. ۱۳ مهر «علاءالدین رفیعی‌زاده»، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، اعلام کرد حذف و نادیده گرفتن عشایر غیرممکن است. درصورت لزوم، اصلاح قانون در دستورکار قرار می‌گیرد. همچنین «سیدحمید پورمحمدی»، رئیس سازمان برنامه‌بودجه، نیز مخالفت قاطع خود با انحلال سازمان امور عشایر ایران را اعلام کرده و گفته است: «امکان انحلال سازمان امور عشایر وجود ندارد.»

متحرک» در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی تشکیل شد. اساسنامه آن نیز در سال ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام سازمان دموکرات متحرک ابتدا به «مرکز عشایری ایران» و سپس به «سازمان امور عشایر ایران» تغییر داده شد و تا سال ۱۳۶۲ این سازمان از سازمان‌های تابعه وزارت کشاورزی بود. تشکیلات اجمالی سازمان امور عشایر ایران در سال ۱۳۷۶ مورد بازنگری قرار گرفت و به تأیید وزیر جهادسازندگی و معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور رسید. متعاقب آن در سال ۱۳۷۹ تشکیلات تفصیلی حوزه ستادی و واحدهای سازمانی خارج از مراکز تابعه آن تصویب و برای استقرار ابلاغ شد.

بخشی از متن بیانیه جامعه عشایری: در شرایطی که کشور بیش از هر زمان به انسجام ملی و همبستگی اقوام نیازمند است، تصمیم به انحلال سازمان امور عشایر موجب ناامنی روانی و برهم زدن آرامش اقوام خواهد شد

نجات دریاچه ارومیه با واگذاری داوطلبانه آب



علی حاجی‌مرادی | کارشناس منابع آب

چهار سال توقف در اجرای برنامه‌های احیای دریاچه ارومیه، کاهش بیش از یک‌ونیم متر از تراز آب در عرض چهارسال و خشک‌شدن بیش از ۱۳۰ هزار هکتار از پهنه آبی در عرض یک‌سال گذشته، نشان داده است ادامه مسیر گذشته دیگر ممکن نیست. دریاچه ارومیه امروز در مرز حیات و مرگ ایستاده است و هر تأخیر جدید، فاجعه‌ای تازه در پی خواهد داشت. در چنین شرایطی، شاید زمان آن رسیده باشد که از تجربه‌های جهانی در احیای دریاچه‌ها بهره بگیریم؛ تجربه‌هایی که نه با شعار، بلکه با اصلاح سازوکارهای اقتصادی و مشارکت داوطلبانه مردم به نتیجه رسیده‌اند. یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها، تجربه ایالت یوتا در ایالات متحده در احیای «دریاچه بزرگ نمک» است؛ جایی که طرحی به‌عنوان «واگذاری کوتاممدت حقیقه» توانست ظرف کمتر از دو سال بیش از ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب را به دریاچه بازگرداند. در این مدل، کشاورزان نه به‌عنوان مقصر بحران، بلکه به‌عنوان شریک احیا شناخته شدند. آنان به‌صورت داوطلبانه بخشی از آب مصرفی خود را برای مدت محدود، مثلاً یک فصل یا یک سال، در اختیار دولت یا صندوق محیط‌زیست قرار دادند تا مستقیماً به دریاچه تزریق شود. دولت نیز بهای این آب را براساس ارزش اقتصادی آن پرداخت کرد و تضمین داد پس از پایان قرارداد، حقیقه بدون هیچ تغییری به کشاورز بازگردد. نتیجه آن شد که بدون هیچ تنش اجتماعی یا کاهش تولید کشاورزی، هم دریاچه جان گرفت و هم کشاورزان از ثبات درآمدی برخوردار شدند. همین الگو می‌تواند در ایران و برای احیای دریاچه ارومیه به‌کار گرفته شود. طرح پیشنهادی «واگذاری کوتاممدت حقیقه» برپایه همین منطق استوار است: اصلاح رفتار مصرف آب درون حوضه، بدون تهدید معیشت کشاورزان. در این الگو، کشاورز به‌جای قربانی محدودیت آب، به شریک دولت در احیا تبدیل می‌شود. پرداخت‌های منصفانه، تضمین حقوق قانونی و شفافیت در اجرای قراردادها، شرط موفقیت این طرح است. اجرای آن نیاز به پروژه‌های عظیم عمرانی ندارد؛ بلکه به تفاهم، قانونگذاری و اعتماد متقابل وابسته است. برای تحقق این برنامه، پیشنهاد می‌شود صندوقی با عنوان «صندوق واگذاری داوطلبانه آب» در سه استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی و کردستان تشکیل شود. این صندوق به‌صورت مشترک میان وزارت نیرو، وزارت جهادکشاورزی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و خانه کشاورز اداره خواهد شد و مأموریتش پرداخت معوض مالی به کشاورزان است که بخشی از حقیقه خود را به دریاچه واگذار می‌کنند. در سال نخست، می‌توان سه دشت نقره، میان‌دوب و عجب‌شیر را به‌عنوان مناطق پایلوت انتخاب کرد. برآوردها نشان می‌دهد با اجرای این طرح، سالانه حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌تواند به دریاچه ارومیه بازگردد. هزینه اجرای هر کامل طرح در کل حوضه آبریز، به‌ازای خرید هر مترمکعب به قیمت ۱۰ هزار تومان، سه هزار میلیارد تومان در سال برآورد می‌شود؛ مبلغی که در برابر سود زیست‌محیطی و اجتماعی آن بسیار ناچیز است. این برنامه نهن‌ها منجر به صرفه‌جویی سالانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌شود، بلکه افت سطح آب‌های زیرزمینی را کاهش می‌دهد، گردوغبار نمکی را مهار می‌کند و بازگشت تدریجی حیات به پیکره دریاچه را ممکن می‌سازد. اجرای چنین طرحی تنها نیازمند اراده‌ای سیاسی و اصلاحی کوچک در قوانین است. شورای عالی آب کشور می‌تواند با صدور مصوبه‌ای ویژه، واگذاری موقت حقیقه به مصارف محیط‌زیستی را قانونی کند. اصلاح جزئی ماده ۱۸ قانون توزیع عادلانه آب نیز این امکان را فراهم می‌آورد که کشاورزان در دوره واگذاری موقت، نه حق خود را از دست بدهند و نه متمم به ترک استفاده از آب شوند. تشکیل سامانه ملی پایش جریان آب و انتشار عمومی داده‌ها نیز تضمینی برای اعتماد عمومی خواهد بود؛ همان‌گونه‌که در طرح احیای دریاچه بزرگ نمک اجرا شد. دریاچه ارومیه امروز بیش از هر زمان دیگر به اعتماد مردم نیاز دارد. پروژه‌های فنی و سازهای، هرچند مهم، اما بدون مشارکت کشاورزان و جوامع محلی بی‌اثر خواهند بود. تجربه دریاچه‌های جهان نشان داده است نجات محیط‌زیست نه با دستور، بلکه با درک و همکاری ممکن می‌شود. طرح واگذاری کوتاممدت حقیقه می‌تواند نخستین گام ایران به‌سوی ایجاد بازار آب محیط‌زیستی باشد؛ مدلی علمی، منصفانه و مشارکتی. اگر دولت و جامعه کشاورزی دست در دست هم بگذارند، احیای دریاچه ارومیه نه رؤیا، که واقعیتی قابل‌دستیابی خواهد بود؛ احیایی نه با میلیاردها دلار هزینه، بلکه با میلیاردها قطره عقل، انصاف و همدلی.

یک فعال عشایری: طرح دولت نه مطالعه اجتماعی دارد، نه اقتصادی و نه فرهنگی سؤال مهم این است که با ازبین‌رفتن معیشت عشایر دولت برای سرریز جمعیت به‌سمت شهرها و روستاها چه می‌کند؟

رئیس سازمان عشایری: هیچ‌یک از ویژگی‌های یک سازمان ناکارآمد- مانند تعداد زیاد پرسنل یا هزینه‌های بالا- در مورد سازمان امور عشایر صدق نمی‌کند. این سازمان از جنبه‌های مختلفی، از جمله تولید ۲۵ درصد از گوشت قرمز کشور و ۳۵ درصد صنایع‌دستی، نقشی اساسی در اقتصاد کشور دارد

متحرک» در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی تشکیل شد. اساسنامه آن نیز در سال ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام سازمان دموکرات متحرک ابتدا به «مرکز عشایری ایران» و سپس به «سازمان امور عشایر ایران» تغییر داده شد و تا سال ۱۳۶۲ این سازمان از سازمان‌های تابعه وزارت کشاورزی بود. تشکیلات اجمالی سازمان امور عشایر ایران در سال ۱۳۷۶ مورد بازنگری قرار گرفت و به تأیید وزیر جهادسازندگی و معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور رسید. متعاقب آن در سال ۱۳۷۹ تشکیلات تفصیلی حوزه ستادی و واحدهای سازمانی خارج از مراکز تابعه آن تصویب و برای استقرار ابلاغ شد.

عشایر تولید می‌شود. همچنین، عشایر به‌عنوان مرزداران این سرزمین پرگهر، ایران، همیشه حافظ مرزهای کشور و امنیت ملی بودند و هستند. سازمان امور عشایر تنها متولی مستقیم خدمات‌رسان به این جامعه تولیدگر است؛ اگر منحل شود، زندگی عشایر است که منحل خواهد شد.»
به‌گفته غنی، درصورت انحلال این سازمان، جامعه عشایری با همه ویژگی زندگی‌شان از جغرافیای ایران حذف خواهند شد: «با این اتفاق، سرریز جمعیتی به‌سمت شهرها و روستاها آن‌هم بدون برنامه، بدون شغل، مسکن و غیره اتفاق خواهد افتاد. معیشت خانوارهای عشایری که عموماً جمعیت زیادی هم دارند، دچار مشکل خواهد شد. همچنین، دولت به این موضوع فکر کند که با این تصمیم، بخشی از فرهنگ پویای کشور را از بین می‌برد. این طرح نه بی‌بوست اقتصادی دارد، نه بی‌بوست فرهنگی و اجتماعی. دولت دارد بدون مطالعه چنین اقدامی می‌کند.»

«علیرضا ترکاشوند»، یکی از فعالان اجتماعی جامعه عشایری کشور، در مورد این اقدام دولت می‌گوید: «سازمان امور عشایر ایران برای عشایر مانند خاتهای است که برای پیگیری ضروری‌ترین نیازها و مشکلاتشان به آن مراجعه می‌کنند. با ادغام یا انحلال، این هویت مستقل از بین می‌رود و نیازهای ویژه آنان در میان پروژه‌های توسعه روستایی به فراموشی سپرده می‌شود. چون به‌طور طبیعی و براساس جمعیت هم حساب کنیم، برنامه‌های دولت برای بخش روستایی بسیار بیشتر از بخش عشایری است. واقعیت این است که اساساً مشکلات یا نیازها و مطالبات این دو بخش اصلاً از یک سنخ نیستند.» او ادامه می‌دهد: «موضوع دیگری که باید مورد توجه دولت قرار بگیرد، این است که این سازمان تنها نهاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تخصصی حوزه عشایر است و اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای و پیگیری مطالبات عشایر از دستگاه‌های دیگر هم از وظایف این سازمان است. این سازمان طرح‌های مختلفی در حوزه‌های تأمین آب، راه برداشت تسهیلات برای دام و زنجیره تولید، توسعه صنایع‌دستی، کشت گیاهان دارویی و گردشگری عشایر انجام می‌دهد. پراکنده‌شدن این وظایف و افزایش سرکراسی، باعث کاهش سرعت اجرای این اقدامات و پیامدهای منفی برای عشایر است. از سوی دیگر، سازمان امور عشایری به‌عنوان یک سازمان هماهنگ‌کننده امور عشایری، به‌ویژه در بخش تولیدات عشایری نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت غذایی، مدیریت مراتع و منابع طبیعی، حفظ تنوع زیستی، جلوگیری از فرسایش خاک و حتی حفظ

عشایر تولید می‌شود. همچنین، عشایر به‌عنوان مرزداران این سرزمین پرگهر، ایران، همیشه حافظ مرزهای کشور و امنیت ملی بودند و هستند. سازمان امور عشایر تنها متولی مستقیم خدمات‌رسان به این جامعه تولیدگر است؛ اگر منحل شود، زندگی عشایر است که منحل خواهد شد.»

یادداشت **سازمان**

فصلی برای تماشا و تأمل در جنگل پنجاه‌میلیون‌ساله‌هیرکانی

«النگدره»

موزه زنده پاییز



| **محمداسماعیل اسدی** |

| پژوهشگر آب و خاک |

پارک جنگلی «النگدره» با مساحت ۱۸۵ هکتار یکی از زیباترین و قدیمی‌ترین جنگل‌های درون‌شهری ایران، در جنوب شهر گرگان و در دل رشته‌کوه‌های البرز شرقی واقع شده است. این پارک در مختصات جغرافیایی حدود ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی جای دارد و دروازه‌ای سبز به جنگل‌های باستانی هیرکانی به‌شمار می‌آید. النگدره در مرز دشت گرگان و جنگل‌های آنبوه کوهستانی گسترده شده و ارتفاع آن از سطح دریا بین ۱۵۰ تا ۳۵۰ متر متغیر است. این موقعیت جغرافیایی ویژه سبب شده است پارک از آب‌هوایی معتدل و مرطوب برخوردار باشد و رودخانه‌ای زلال که از چشمه‌های دامنه کوه سرچشمه می‌گیرد، از میان دره سبز آن بگذرد. این پارک جنگلی بخشی از بقایای جنگل‌های ارزشمند دوران سوم زمین‌شناسی (ترشیری) و حتی ژوراسیک است؛ یعنی زمانی که هنوز کوه‌های البرز به‌شکل امروزی پدیدار نشده بودند. این منطقه اکنون یکی از آخرین یادگارهای جنگل‌های پهن‌برگ همیشه‌سبز هیرکانی است که در فهرست میراث طبیعی جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده‌اند. این پارک کهن و باستانی، نگینی سبز در دل شهر است و ورود هرگونه وسیله نقلیه موتوری و برافروختن آتش در آن ممنوع است. اینجا، در قلب گرگان، تاریخ زمین و زندگی در هم تنیده‌اند؛ هم می‌توان صدای پرندگان امروز را شنید و هم نفس‌های میلیون‌ها سال پیش را در مه صبحگاهی حس کرد. درختان کهنسال انجیلی، ممرز، توسکا، آزاد، لرگ، افرا، دادغافان، خرمندی و بلوط بلندمازو با قامت‌افراشته خود گویی شاهدان خاموشی‌اند از میلیون‌ها سال پایداری و تحول زمین. در زیر سایه‌شان، نسیم خنک و صدای پرندگان جنگلی چون دارکوب، بلبل، توکا، سینه سرخ، سسک سراسیمه، سهره، جغد جنگلی، و انواع چرخ‌ریسک موسیقی آرامش و زندگی را می‌نوازند. النگدره پناهگاهی برای گیاهان و جانوران بومی و البته مکانی برای آشتی انسان با طبیعت به‌شمار می‌رود؛

جایی که هر برگ و هر نسیم، از راز ماندگاری جنگل‌های هیرکانی و ضرورت پاسداریت آنها سخن می‌گویند. از همین رو، پارک جنگلی النگدره، شش سبز گرگان و پناهگاه آرامش مردم این شهر است، و فراتر از این، گنجینه‌ای طبیعی و زمین‌شناسی است که راز میلیون‌ها سال از تاریخ زمین در دل خود نهفته دارد. با فراسیدن پاییز النگدره بار دیگر هزاران گردشگر و طبیعت‌دوست از میزبانی می‌کنند. در روزهای طلایی مهر و آبان و آذر، هنگامی که برگ‌های انجیلی با طیفی از رنگ‌های سبز، سرخ، قهوه‌ای، نارنجی و زرد، همچون فرش‌ی از آتش شاعرانه و رؤیایی می‌پایند. صدای پرندگان جنگلی و ریختن آرام رودخانه، نوای جاودانه‌ای است که هر گردشگر و مسافری را به سکوت و تأمل دعوت می‌کند؛ سکوتی که از احترام به طبیعت سرچشمه می‌گیرد. گردشگری درین‌حال تهدیدی جدی برای پاکیزگی و پایداری بوم‌سازگان جنگل محسوب می‌شود. ریختن زباله، انداختن تمسبیگار، روشن کردن آتش در کف و روی خاک جنگل و حاشیه درختان و تردد گردشگران در مسیرهای غیرمجاز و پاکوب کردن خاک کف جنگل، خارج کردن میوه‌ها و بذهای جنگلی، خارج کردن شاخه‌ها و برگ‌های درختان، ایجاد آلودگی صوتی، همراه داشتن اسپیکر و بردن حیوانات خانگی درون این جنگل از جمله چالش‌هایی‌است که حیات این فسیل زنده را تهدید می‌کند. علاقه‌مندان و حامیان محیط‌زیست و سمن‌های محلی و کارشناسان منابع طبیعی معتقدند النگدره باید به‌عنوان «موزه منابع طبیعی هیرکانی» با مدیریت پایدار گردشگری اداره شود؛ به‌گونه‌ای‌که حضور بازدیدکنندگان در چارچوب طرح‌های آموزشی و فرهنگی سامان یابد. ایجاد مسیرهای پیاده‌روی با علائم آموزشی، نصب تابلوهای هشدار محیط‌زیستی همراه کیو آر کد، تفکیک پسماند در مبادی ورودی و آموزش عمومی درباره اهمیت جنگل‌های هیرکانی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به حفظ این میراث ارزشمند کمک کند. پادمان نرود که پاییز را تنها با چشم‌انمان ببینیم، بلکه با دل‌مان حس کنیم؛ با دلی که مسئولیت‌پذیر و قدردان طبیعت است. شاید در همین نگاه مسئولانه، راز ماندگاری این جنگل پنجاه‌میلیون‌ساله نهفته باشد.

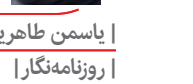


از «ماوی مرمره» تا «صمود»؛ تاریخ تکرار می‌شود و جهان خشونت اسرائیل را تماشا می‌کند

محاصره کنشگران صلح در دریای آزاد

آنها مقابل چشم‌هایمان «گرتا» را از موهایش گرفتند، کتک زدند و مجبورش کردند پرچم اسرائیل را ببوسد

در جهان امروز، کنترل حقیقت به یکی از محورهای گفتمان سیاسی تبدیل شده است. «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، اخیراً ادعا کرد تمام جهان به اسرائیل وابسته است: «تلفن همراهی که در دستان شماست، گوجه‌فرنگی‌ای که می‌خورید، دارویی که مصرف می‌کنید.» این اظهارات صرفاً ادعایی درباره تولید و عرضه نیست، بلکه نظریه‌ای است مبنی‌بر اینکه حقیقت، گزینده‌های انتخابی و حتی حق زندگی را یک مرکز واحد تعیین می‌کند.



| **یاسمن طاهریان** |

| روزنامه‌نگار |

نوار غزه مدت‌هاست در محاصره اسرائیل قرار دارد و با پیامدهای انسانی عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از سال ۲۰۰۷ محدودیت‌های دریایی، زمینی و هوایی جامعه غزه را ایزوله کرده است. سفر ناوگان جهانی صمود به غزه هم اقدامی نمادین بود و هم چالش مملوس، قابل‌مشاهده و قابل‌توجه برای شکست این محاصره. بااین‌حال، اقدام ۴۶۲ نفر از کنشگران و سیاستمداران برای شکست این محاصره، به‌رمغ قرار داشتن کشتی آنها در آب‌های بین‌المللی با چالش روبه‌رو شد.

با وجود تهدیدهای اسرائیل، مسافران مصمم کاروان صمود از جمله «گرتا تونبرگ»، فعال محیط‌زیست سوئدی، «لورنترز داگوستینو»، روزنامه‌نگار ایتالیایی و همین‌طور نمایندگان پارلمانی وکلا، سوار بر بیش از ۴۰ کشتی به سفر خود برای رساندن کمک‌های بشردوستانه و شکستن محاصره دریایی غزه ادامه دادند تا اینکه تمام تهدیدها و خطرها به واقعیت تبدیل شد. با نزدیک شدن این کاروان به آب‌های غزه، نیروی دریایی برخی از کشورهای اروپایی که ناوگان صمود را همراهی می‌کردند، به محافظت نظامی خود پایان دادند. روز جمعه اسرائیل ناوگان صمود را متوقف کرد و برای بار دیگر در تاریخ جهان، مداخله این رژیم در عملیات بشردوستانه به ثبت رسید. تمام سرنشینان این ناوگان از جمله تونبرگ، «ماندلا ماندلا»، نوه نلسون ماندلا، اولین رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی و چند نفر از سیاستمداران اروپایی بازداشت شدند. یکی از وزرای راست افراطی اسرائیل در ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد، در مواجهه با کنشگران، اقدام

کمک‌رسانی آنها را مسخره و آنها را به حمایت از «تروریسم» متهم کرد. «ایتامار بن‌گویبر»، وزیر امنیت داخلی اسرائیل هنگام بازدید از بندر جنوبی «اشدود»، جایی که کنشگران پیش از اخراج نگهداری می‌شدند، گفت تصمیم نتانیاهو برای اخراج کنشگران ناوگان صمود اقدام اشتباهی بود و اصرار داشت آنها درعوض باید در اسرائیل زندانی می‌شدند.

لک برخورد‌های خشن اسرائیل با کنشگران

روزنامه گاردین در گزارشی به‌نقل از یکی از مقامات رسمی این کشور نوشت وزارت امور خارجه سوئد در زندان با تونبرگ ملاقات کرده و گفته است نیروهای اسرائیلی با او رفتار خشن داشته‌اند. سلول او به ساس تخت‌خوابی آماده بوده، آب و غذای کافی دریافت نمی‌کرده و او را مجبور کرده‌اند با پرچم‌هایی در دست عکس بگیرد. یکی از مقامات وزارت خارجه سوئد به گاردین می‌گوید: «بنا به گزارش‌ها، یکی دیگر از بازداشت‌شدگان به سفارت دیگری گفته است آنها شاهد بوده‌اند (تونبرگ) مجبور شده هنگام عکس گرفتن پرچم‌ها را در دست بگیرد.»

«راسین چلیک»، فعال ترک و یکی دیگر از حاضران در ناوگان صمود به خبرنگاری آنا‌تولی گفته است: «آنها مقابل چشم‌هایمان گرتای کوچک را از موهایش گرفتند، کتک زدند و مجبورش کردند پرچم اسرائیل را ببوسد. آنها هر کاری که تصورش را بکنند، با او کردند تا هشدار برای دیگران بفرستند.»

اولین گروه از ۲۶ شهروند ایتالیایی که به کشور خود

بازگشتند هم گفتند مقامات اسرائیل رفتار بسیار خشنی با آنها داشته‌اند. ۱۵ نفر از آنها مجبور شدند زمان صدور حکم اخراج قضائی خود منتظر بمانند؛ چون از امضای فرمی که اجازه آزادی داوطلبانه را می‌داد، خودداری کردند. «شاوربو توماسی»، روزنامه‌نگاری که برای وب‌سایت Fanpage کار می‌کند، می‌گوید نیروهای اسرائیلی به سر و کمر او ضربه زدند؛ آنها با ما مثل میمون‌های بدترین سیرک‌های دهه ۱۹۲۰ برخورد کردند.» خانواددهای برخی از کنشگران اهل نیوزیلند که در اسرائیل در بازداشت بودند، به گاردین گفته‌اند این افراد در شرایط بسیار بد و بدون دسترسی به آب یا وکلای قانونی نگه داشته شده‌اند.

کنشگران استرالیایی هم که در اسرائیل در بازداشت قرار داشتند، به مقامات کشور خود از «برخورد تحقیرآمیز و اهانت‌آمیز» اسرائیلی‌ها در یکی از امنیتی‌ترین زندان‌ها خبر دادند. نیروهای اسرائیلی هفت نفر از شهروندان استرالیایی را در صحرای نقب نگهداری می‌کردند. «جولیت لمونت»، یکی از این شهروندان استرالیایی است که می‌گوید پس از آنکه داروهای روزانه‌اش از سوی نیروهای اسرائیلی ضبط شدند، به‌شدت نگران بود که دچار «حمله قلبی» شود. یکی دیگر از کنشگران می‌گوید نیروهای اسرائیلی به صورتش سیلی زده‌اند و پس‌از‌آن، طوری برخورد کرده‌اند که بازویش از جا در رفته و او را به زمین کوبیده‌اند.

تونبرگ فرات است تا پایان امروز (دوشنبه) از اسرائیل به آن فرستاده شود. طبق گزارش‌ها بیشتر بازداشت‌شدگان قرار است پس از آزادی به یونان فرستاده شوند تا از آنجا

با پرواز به کشورهای خود بازگردند. ۲۸ شهروند فرانسوی، ۲۷ شهروند یونانی، ۱۵ شهروند ایتالیایی و ۹ شهروند سوئدی از اسرائیل خارج شدند. چندین نفر از اتباع خارجی، از جمله ۲۸ شهروند اسپانیایی همچنان تحت بازداشت نیروهای اسرائیلی قرار دارند.

وزارت خارجه اسرائیل اتهامات مربوط به ممنوعیت دسترسی به وکلای قانونی را رد کرده است. «عدله»، یکی از مراکز حقوقی در اسرائیل که این کنشگران را نمایندگی می‌کند، اعلام کرد برخی از بازداشت‌شدگان اتهام خشونت فیزیکی و آزار و اذیت را مطرح کرده‌اند. برخی دیگر از اتهامات شامل نبود دسترسی به دارو بوده است. وزارت خارجه اسرائیل هم در واکنش، عدله را به «تکرار دروغ‌های آشکار» متهم کرده است.

لک روند تکراری حمله به کشتی‌های حامل کمک‌های بشردوستانه

رهگیری ناوگان صمود در دریای مدیترانه و در فاصله ۷۰ تا ۸۰ مایل دریایی از ساحل غزه انجام شد؛ جایی که هنوز آب‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود و براساس قوانین بین‌المللی دریانوردی در آب‌های آزاد برای تمام کشتی‌ها به رسمیت شناخته می‌شود. ناوگان صمود در اواخر ماه اوت از اسپانیا در مسیر شرق در دریا به‌راه افتاد و در تونس، ایتالیا و یونان توقف داشت. به‌گفته مسافران، این ناوگان در طول مسیر چندین‌بار از سوی پهپادها مورد آزار و اذیت قرار گرفته است.

در اوایل سال جاری یک کشتی بنام Conscience در نزدیکی ساحل مالتا بر اثر انفجراهایی آتش گرفت و در معرض غرق شدن قرار داشت که پس از آنکه یک شناور پدک‌کش به خاموش کردن شعله‌های آتش کمک کرد، کشتی و خدمه آن سالم ماندند. در ماه ژوئن، نیروهای اسرائیلی کشتی «مدلین» را که گرتا تونبرگ و دیگر کنشگران مسافر آن بودند، رهگیری و پس از دستگیری تونبرگ، او را از اسرائیل اخراج کردند. در ماه ژوئیه، کشتی «هانادالا» هم با همین واکنش‌ها روبه‌رو شد. پیش‌ازاین، در سال ۲۰۱۰ یکی از کاروان‌های کمک‌های بشردوستانه موسوم به «ماوی مرمره» با پرچم ترکیه که تلاش می‌کرد به غزه برسد، در دریا رهگیری شد که کشته شد ۱۰ نفر را در پی داشت. این حادثه بحث‌هایی را درباره قوانین بین‌المللی و امنیت دریایی به راه انداخت.

در شرایطی که رابطه قانونی اسرائیل با غزه در این دوران متغیر بوده است، تحت قوانین بین‌المللی اسرائیل قدرت اشغالگر محسوب می‌شود. نقش قدرت‌های اشغالگر در سال ۱۹۴۹ در کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند. کنوانسیون ژنو چارچوب قانونی روشنی را برای قدرت‌های اشغالگر ترسیم می‌کند. در دهه‌های اخیر، اسرائیل هم از نظر قانونی و کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند. کنوانسیون ژنو چارچوب قانونی روشنی را برای قدرت‌های اشغالگر ترسیم می‌کند. در دهه‌های اخیر، اسرائیل هم از نظر قانونی و کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند.

کنوانسیون ژنو چارچوب قانونی روشنی را برای قدرت‌های اشغالگر ترسیم می‌کند. در دهه‌های اخیر، اسرائیل هم از نظر قانونی و کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند.

کنوانسیون ژنو چارچوب قانونی روشنی را برای قدرت‌های اشغالگر ترسیم می‌کند. در دهه‌های اخیر، اسرائیل هم از نظر قانونی و کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند. کنوانسیون ژنو چارچوب قانونی روشنی را برای قدرت‌های اشغالگر ترسیم می‌کند. در دهه‌های اخیر، اسرائیل هم از نظر قانونی و کنوانسیون چهارم ژنو تدوین شد و براساس تعهدات قانونی بنا نهاده شد که قدرت‌های متفقین در آلمان و ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم برعهده گرفتند.

توقف ناوگان صمود از سوی اسرائیل واکنش‌هایی را در جهان، از جمله در کشورهای اروپایی مثل اسپانیا، ایتالیا، کلمبیا و آرژانتین، در پی داشت. کارگران و دانشجویان ایتالیایی پس از آنکه بزرگترین اتحادیه این کشور خواستار برگزاری یک روز اعتراض عمومی برای همبستگی با فلسطینی‌ها و کشتی صمود شد، به خیابان‌ها آمدند. هنوز معلوم نیست ارتش اسرائیل کشتی‌های این ناوگان را به صاحبان آن برمی‌گرداند یا نه. در دومین سالگرد حمله حماس به اسرائیل و آغاز جنگ غزه، شهروندان این باریکه در ویرانه‌ای از تل و خاک زندگی می‌کنند. زخم‌های ذهنی و فیزیکی که در طول این جنگ به شهروندان غزه وارد شده، می‌تواند نسلی از آنها را تا سال‌ها تحت‌تأثیر قرار دهد.

خبر

۲ سال نسل‌کشی در غزه

دفتر اطلاع‌رسانی دولت غزه نیز گزارش داده است طی حملات اخیر در مناطقی مانند «الماساوی»، «البریح» و «دیرالبله» تلفات سنگینی به مردم عادی وارد شده است و مناطق امن نیز از حملات در امان نمانده‌اند. تخریب ساختار شهری و زیربنایی غزه در دو سال گذشته بسیار گسترده بوده است. گزارش لوموند می‌گوید بیش از ۷۸ درصد ساختمان‌ها در غزه ویران یا آسیب دیده‌اند و ۸۸ درصد کسب‌وکارها نابود شده‌اند. این فاجعه زیرساختی، فشار مضاعفی بر مردم و امدارسانان وارد کرده است.



رئیس‌جمهور آمریکا، از اسرائیل خواسته حملات را متوقف کند، در عمل دست‌کم ۳۶ کشته، از جمله کودکان درنتیجه حملات اخیر هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به ۶۷ هزار و ۱۶۰ شهید و ۱۶۹ هزار و ۶۷۹ زخمی» افزایش نظامی بوده است، به‌گزارش آنا‌تولی، این وزارتخانه در بیانیه آماری روزانه خود اعلام کرد بیمارستان‌ها در ۲۴ ساعت گذشته درنتیجه حملات مداوم اسرائیل (۲۱ شهید و ۹۶ زخمی» را پذیرش کرده‌اند.

طبق اعلام وزارت بهداشت فلسطین، شماری از قربانیان در زیر آوار خانه‌های ویران‌شده و در جاده‌ها هستند و آمبولانس‌ها و تیم‌های دفاع مدنی قادر به دسترسی به آنها نبوده‌اند. دو سال پس از حمله حماس به اسرائیل در روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳، رژیم اسرائیل جنگ و محاصره در نوار غزه را ادامه داده است. بنابر گزارش دفتر اطلاع‌رسانی دولتی در غزه، بیشترین کشته‌های این جنگ کودکان و زنان بوده‌اند. علاوه‌براین، ۴۶۰ نفر از جمله ۱۵۴ کودک بر اثر قحطی جان باخته‌اند.

این آمار درحالی‌است که طبق اعلام منابع خبری بین‌المللی مذاکرات آتش‌بس بین اسرائیل و حماس در قاهره آغاز شده است، اما حملات هوایی اسرائیل همچنان ادامه دارد.

به‌گزارش روتیترز، با اینکه دونالد ترامپ،

ا کرمان

درخشش توزیع برق شمال کرمان در گردهمایی ملی بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE)

بهرام‌جردی، معاونت مهندسی و نظارت شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان در نخستین گردهمایی بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط‌زیست (بهام) توانیر، رتبه سوم کشوری در حوزه ایمنی را کسب کرد.

به گزارش روابط‌عمومی، در این لوح سپاس که به امضای علیرضا خیامی مدیرکل مدیریت بحران، ایمنی و بهام و محسن ذبیحی معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر رسیده آمده است: باتوجهبه نتایج حاصل از نظارت عالیه بر عملکرد شرکت‌های توزیع نیروی برق در زمینه بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و حفاظت فنی (بهام) آن معاونت موفق به کسب رتبه سوم در سال ۱۴۰۳ شد.

بدین‌وسوسله این موفقیت را به جنابعالی و همکاران محترم آن معاونت تبریک عرض کرده و ضمن تشکر از زحمات ارزشمند صورت‌گرفته، سلامتی و توفیق روزافزون آن مجموعه در ترویج و ارتقای سطح فرهنگ بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط‌زیست را در صنعت برق از خداوند متعال مسئلت داریم.

کسب این عنوان توسط شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان نشان از تعهد حرفه‌ای، مدیریت علمی و تلاش مستمر نیروهای متخصص در این شرکت دارد.

نماینده ولی‌فقیه در استان اصفهان:

تاکید بر لزوم تلفیق معماری تاریخی و روش‌های نوین برای حفظ میراث‌فرهنگی

بهمن توکلی‌فرد، اصفهان - آیت‌الله سید یوسف طباطبایی‌نژاد در دیدار با مدیرکل میراث‌فرهنگی استان اصفهان بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های گردشگری و معرفی ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران در سطح جهانی تأکید کرد.

امام‌جمعه اصفهان با اشاره به پیشینه تاریخی و تمدنی ایران عنوان کرد: البته این امر درست است که باید

زمینه گردشگری را بیشتر فراهم کرد تا کشورهای دیگر متوجه جایگاه ایران شوند، اما در همین جنگ ۱۲ روزه نیز کشورهای دیگر به قدرت و جایگاه ایران پی بردند. او افزود: در هشت سال دفاع مقدس نیز کاری بزرگ انجام شد و همه دنیا در برابر کشوری بدون نیروی نظامی مقابله کرد، اما ایستادگی مردم ما و دفاع شهدا سبب شد دیواری اطراف کشور ایجاد کنیم که دیگر کشوری جرات حمله زمینی به ایران را نمی‌کند. او خاطرنشان کرد: قرآن کریم می‌فرماید: "اگر نبود که خدا برخی از افراد پلید را با انسان‌های مؤمن دفع نمی‌کرد، زمین فاسد می‌شد" و دفاع مقدس را

یزد، صادقی‌مقدم - مدیر اسناد و کتابخانه ملی یزد گفت: هم‌زمان با صدمین سالروز تولد استاد ایرج افشار، آیین نکوداشت این پژوهشگر و کتاب‌شناس برجسته کشور، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و ۵۰ تن از شخصیت‌های فرهنگی در محل تالار مرکزی یزد برگزار می‌شود.

سعید زارع از ایرج افشار به‌عنوان چهره‌ای جهانی در عرصه ایران‌شناسی و کتاب‌شناسی نام برد و افزود: او عمر خود را در مسیر شناخت و پاسداری از فرهنگ ایران وقف کرد.

زارع نقش مهم استاد افشار در جهانی‌شدن یزد را یادآور شد و تصریح کرد

هر جا سخن از ایران، کتاب، پژوهش و میراث مکتوب هست به یاد آن مرد بزرگ می‌افتیم. او با بیان اینکه نام افشار با ایران پژوهی، نسخه‌شناسی، فهرست‌نگاری قاجارشناسی و متون کهن فارسی عجین شده برای ما یزدی‌ها افتخاری بزرگ است.

خراسان رضوی

فرمانده مرزبانی خراسان رضوی:

تحول در دیپلماسی و هوشمندسازی مرزهای شرقی با هدف مدیریت مهاجرت و ارتقای امنیت



افزایش اشراف اطلاعاتی و کاهش وابستگی به نیروی انسانی می‌شوند. به گفته او، شرایط جغرافیایی شرق کشور ضرورت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین را دوجندان کرده و مرزبانی در مسیر تبدیل‌شدن به ساختاری فناورانه و چابک گام برمی‌دارد.

دیپلماسی مرزی و همکاری‌های منطقه‌ای فرمانده مرزبانی خراسان رضوی با تأکید بر اهمیت تعاملات منطقه‌ای گفت: مرزبانی جمهوری اسلامی ایران تنها نیروی مسلحی است که مجاز به برقراری ارتباط مستقیم با همپایان با دید مرزی کشورهای مقابل است. در قالب نشست‌های مشترک، مسائل مرزی با مسئولان

است.

ا مرکزی

تبیین دستاوردهای صادراتی «ساراک» برای رایزنان اقتصادی وزارت خارجه

آزاده فراهانی - جمعی از رایزنان اقتصادی وزارت امورخارجه، مدیران استانداری مرکزی و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اراک با هدف آشنایی با توانمندی‌ها و توسعه همکاری‌های صادراتی، از مجتمع پتروشیمی شازند بازدید کردند.

به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل، جمعی از رایزنان اقتصادی وزارت امور خارجه، مدیران استانداری مرکزی و اتاق بازرگانی اراک با هدف آشنایی با توانمندی‌ها و توسعه همکاری‌های صادراتی، از مجتمع پتروشیمی شازند بازدید کردند. در ابتدای این بازدید، مهندس حسین عسگری معاون تولید و رئیس مجتمع پتروشیمی شازند، در جلسهای مشترک، واحدهای تولیدی و سبد متنوع محصولات این مجتمع را معرفی کرد. او ضمن تبیین توانمندی‌ها و دستاوردهای مهم شرکت به‌ویژه در حوزه صادراتی و ارزآوری، آمادگی کامل پتروشیمی شازند را برای همکاری با رایزنان اقتصادی وزارت امور خارجه جهت گسترش بازارهای بین‌المللی اعلام کرد. رایزنان اقتصادی و مسئولین حاضر در پایان با حضور در ناحیه صنعتی، از نزدیک با فرآیندهای تولید و محصولات پتروشیمی شازند آشنا شدند. پتروشیمی شازند همواره در عرصه صادرات محصولات باکیفیت و دارای استانداردهای بین‌المللی، جز شرکت‌های پیشرو در سطح کشور و استان مرکزی بوده و نقش مهمی در ارزآوری برای کشور ایفا می‌کند.

فارس

درخشش برق منطقه‌ای فارس در نخستین همایش بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط‌زیست توانیر

سعیده ناصری شرکت برق منطقه‌ای استان فارس در نخستین همایش بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط‌زیست توانیر با کسب سه لوح تقدیر جایگاه برتر این همایش را به دست آورد.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت برق منطقه‌ای فارس، شرکت برق منطقه‌ای فارس به دلیل نظارت عالیه HSE در سال ۱۴۰۳، در این همایش سه لوح تقدیر دریافت کرد و با کسب رتبه اول در بین معاونت‌های طرح و توسعه، رتبه دوم دفتر بهام و رتبه سوم در بین دفاتر روابط‌عمومی خوش درخشید.

بر اساس این گزارش لوح تقدیر نخست به خانواده مرحوم توکلی معاون قفید طرح و توسعه برق منطقه‌ای فارس اهدا شد، لوح تقدیر دوم به علیرضا علاقه بند رئیس اداره بهام و لوح سوم به محسن جوادی آزاد مدیر روابط‌عمومی شرکت برق منطقه‌ای فارس اهدا شد.

یدالله حقیقی مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای فارس در این همایش در خصوص ویرایش جدید آیین‌نامه ایمنی در عملیات انتقال نیروی برق در حضور معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی و مدیرعامل توانیر مطالبی ارائه کرد و اظهار داشت: در جوامع صنعتی، ایمنی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ‌سازمانی محسوب می‌شود. در این کشورها نگاه به ایمنی صرفاً یک الزام قانونی یا واکنشی به حوادث نیست، بلکه به‌عنوان یک ارزش بنیادی و بخشی از هویت سازمان دیده می‌شود.

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای فارس در این نشست اقداماتی که در حوزه اصلاح آیین‌نامه ایمنی به همت دفتر بهام وتوانیر و همکاری گروهی از همکاران از شرکت‌های مختلف ارائه شده را مطرح کرد و افزود: ویرایش جدید این آیین‌نامه در

۷

ا بوشهر

سرمایه‌گذاری در گردشگری، زمینه‌ساز رونق و تحول پایدار بوشهر

زهرا ماندنیان‌فرد - استان بوشهر با وجود جاذبه‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، طبیعی و صنعتی، در پاییز تا نوروز و اوایل فصل بهار که هوای معتدلی دارد میزبان گردشگران فراوانی از اقصی‌نقاط کشور است که به سرمایه‌گذاری بیشتر و افزایش امکانات رفاهی و اقامتی و به‌ویژه در دریایی و ساحلی می‌تواند به مقصدی جذاب برای گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شود، مسیری که رونق، توسعه و تحول پایدار این استان را به همراه دارد. شعار اسمال روز جهانی گردشگری با محوریت «تحول پایدار گردشگری»، بازنمایی از نیاز جهانی به تغییر نگرش در حوزه سفر و گردشگری است، این شعار نشان می‌دهد آینده این صنعت در پیوند میان نوآوری و پایداری شکل می‌گیرد، آنچه مهم است، اینکه باید فراتر از آمار و نمودارها نگاه کنیم و اثر واقعی گردشگری بر جوامع و محیط‌زیست را بسنجیم؛ زیرا تحول پایدار تنها زمانی ممکن است که ایده‌های تازه پذیرفته، صداهای جدید شنیده شوند و سرمایه‌گذاری‌ها بر پایه ارزش‌ها و آموزش نسل جوان شکل گیرند.

در دنیای امروز، تغییرات اقلیمی، تخریب منابع طبیعی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی، ضرورت ایجاد مدلی نوین از گردشگری را آشکار ساخته است؛ مدلی که هم‌زمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توجه کند.

سامما

روزنامه

خبر

عملیات موفق نجات چهار

گردشگر گرفتار در آبشار

چشمه‌سنبل، تنگ حرا

کهنگیلویه و بویراحمد، ذوالفقاری - سید عادل رهبریان، سرپرست جمعیت هلال‌احمر استان کهنگیلویه و بویراحمد، با اشاره به عملیات نجات چهار گردشگر گرفتار در آبشار چشمه سنبل واقع در تنگ حرا، اظهار داشت: پس از انجام عملیات سخت و نفس‌گیر پنج‌ساعته توسط تیم‌های امداد و نجات کوهستان، هر چهار نفر با سلامت کامل به پایین آبشار منتقل شدند. به گزارش روابط‌عمومی جمعیت هلال‌احمر، سرپرست جمعیت هلال‌احمر استان کهنگیلویه و بویراحمد در تشریح جزئیات این عملیات گفت: در ساعت ۲۰:۳۰، شب گذشته مرکز کنترل و هماهنگی عملیات این جمعیت گزارشی مبنی بر گرفتار شدن چهار گردشگر در منطقه مذکور دریافت کرد. در پی این گزارش، دو تیم تخصصی امداد و نجات از پایگاه کوهستان شهرستان دنا به محل حادثه اعزام و در ساعت ۲۲:۳۰ محل دقیق حضور گردشگران شناسایی کردند. او در ادامه افزود: با ایجاد نخستین کارگاه فنی، تیم‌های عملیاتی در ساعت ۰۰:۲۰ بمداد به افراد گرفتار دسترسی پیدا کردند که پس از ایجاد کارگاه دوم، عملیات رهاسازی آغاز شد و طی یک ساعت تلاش بی‌وقفه، هر چهار گردشگر با سلامت کامل به پایین آبشار منتقل شدند.

پیشرفت ۷۳ درصدی ساخت بزرگراه در محور زاهدان - بیرجند

عباس‌نژاد - سیستان و بلوچستان، معاون مهندسی و ساخت اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان از پیشرفت ۷۳ درصدی پروژه ساخت بزرگراه در محور زاهدان - بیرجند خبر داد.
نیما رخشا افزود: بر اساس آخرین ارزیابی‌ها، از مجموع ۲۱۱ کیلومتر مسیر زاهدان - بیرجند، تاکنون ۱۵۰ کیلومتر آن به بزرگراه تبدیل شده است. او گفت: برای تبدیل ۶۱ کیلومتر باقیمانده این محور به بزرگراه به‌جز مطالبات کنونی پیمانکاران در مجموع ۳ هزار میلیارد تومان موردنیاز است. معاون مهندسی و ساخت اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان تأکید کرد: از مجموع باقیمانده این مسیر در حال حاضر ۲۶ کیلومتر بزرگراه در دست‌ساخت داریم که پیش‌بینی می‌شود که در صورت تخصیص اعتبار مورد نیاز تا پایان سال جاری ۳۰ کیلومتر از این بزرگراه تا هشت کیلومتر بعد از سفیدابه به بهره‌برداری برسد. معاون مهندسی و ساخت اداره کل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان ادامه داد: هم‌اکنون ۲ کارگاه فعال با ۲۵۰ نفر نیروی در حال اجرای تعدادت این پروژه هستند. رخشا تأکید کرد که با تکمیل این پروژه که از سفیدابه هم‌گذری‌کند استان سیستان و بلوچستان و یکی از نقاط کلیدی برای حمل‌ونقل جاده‌ای، ترازیت کالا و مسافر تبدیل می‌شود.

رئیس اداره امور عشایر گیلان

تشریح کرد:

تفاوت زندگی عشایر

و روستاییان

گیلان، زینب قلی‌پور - رئیس اداره امور عشایر گیلان، با اشاره به ظرفیت بالای عشایر در تولید، گفت: انحلال یا ادغام سازمان امور عشایر نیازمند کار کارشناسی و تخصصی ویژه است و باید آثار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن بررسی شود. خبر انحلال سازمان امور عشایر موضوعی است که علاوه بر جامعه عشایری، مدیران و متولیان و کارشناسان حوزه تولید و توسعه و عمران را دغدغه‌مند کرده است؛ هرگونه عدم بررسی دقیق آثار و نتایج این تصمیم که در راستای چابک‌سازی دولت اتخاذ شده، می‌تواند تأثیر مستقیم بر زندگی عشایر ایران گذاشته و موجب ازندست‌رفتن این سرمایه ملی و هویتی شود. البته به گفته علاءالدین رفیع‌زاده - رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور - حذف نادیده‌گرفتن عشایر غیرممکن است که در صورت لزوم، اصلاح قانون در دستور کار قرارمی‌گیرد. همچنین سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه‌بودجه از مخالفت قاطع خود با انحلال سازمان امور عشایر ایران گفته و اظهار کرده: امکان انحلال سازمان امور عشایر وجود ندارد.

آگهی مفقودی

مفقودی برگ سبز ماشین خودرو سواری پرلد مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید به شماره شاسی **53412290860271** به شماره موتور **۳۷۹۶۳۱۷** به شماره پلاک **۸۷** از **۱۲۷** ایران **۵۴** به نام **سعیداسین میرکتی باناکی مفقود شده** و از درجه اعتبار ساقط است **کهنوج**

^[1] رئیس اداره امور عشایر گیلان



روایت نسل دن کیشوت؛ نسلی که با ایمان به تحصیل و کار به میدان آمد، اما قواعد بازی اقتصاد عوض شده بود

حسرت یک زندگی معمولی

این روزها پای درد دل خیلی از مردم که می‌نشینیم دنبال یک مفهوم گمشده‌اند: «زندگی معمولی». به‌نظر می‌رسد، داشتن یک زندگی معمولی بستری می‌خواهد که امروز خیلی از ایرانی‌ها از آن دریغ شده‌اند. با این وجود هستند کسانی که همچنان افرادی که زندگی معمولی می‌خواهند را مورد هدف قراردادها و آنها را قضاوت و تفسیر می‌کنند. این مطلب تلاش می‌کند از میان گستره وسیعی از ویژگی‌های رسیدن به یک زندگی معمولی، یکی از دلایل اقتصادی ایجاد این حسرت را زیر ذره‌بین ببرد و تحلیل کند. بنابراین به سراغ یکی از «تراژدی‌ها» نسل می‌رویم که با نقشه‌های در دست به میدانی فرستاده شده که هیچ شباهتی به آن نقشه نداشت. نقشه، همان قرارداد اجتماعی ناوشته‌ای بود که می‌گفت تحصیل، کار و پس‌انداز به یک «زندگی معمولی» و بابت‌های می‌رسد. اما میدان، واقعیتی اقتصادی بود که در آن قواعد بازی به‌نفع سفته‌بازی و انباشت دارایی تغییر کرده بود، نه کار و تخصص. این نوشته استدلال می‌کند که حسرت فراگیر برای «زندگی معمولی»، نه از سر تنبلی یا نوستالژی، بلکه محصول «اثر دن کیشوت» است: تلاش صادقانه اما بیپوده نسلی که با وفاداری به قواعد منقضی‌شده، در جنگ با آسیب‌های بادی اقتصاد جدید، مدام شکست می‌خورد و سردرگم می‌شود.

فسخ یک قرارداد اجتماعی

«مدونی تورم چطور می‌تواند سرمایه انسانی و تخصص رو نابود می‌کنه؟ ۱۸ سال درس می‌خونی، ۵ سال هم کار می‌کنی تا به تخصص احاطه کامل پیدا کنی، بعد مجموع حقوق دوسال می‌شه اندازه تخفیفی که آما پای معامله ماشین به هم می‌دن.»

بخشی از یک توییت وایرال شده است که عمق بحرانی را که امروز با آن زندگی می‌کنیم، به تلخی روایت می‌کند: تبدیل شدن «زندگی» به یک مسئله. در حافظه جمعی ما، یک آموزه تربیتی و اقتصادی ریشه دوانده است که در ضرب‌المثل «یه روز بخور تون و تره، به عمر بخور تون و کره» خلاصه می‌شد. این عبارت، بیش از یک پند ساده، یک «عادت‌واره»

قرارداد اجتماعی ناوشته بود که مسیر زندگی را ترسیم می‌کرد: سختی‌های تحصیل و کار مستمر، سرمایه‌گذاری بلندمدتی بود که انتظار می‌رفت به امنیت، آرامش و رفاه در آینده ختم شود. این باور، چراغ راهنمای بسیاری از ما بود و این انتظار را در ذهنمان شکل می‌داد که پیشرفت، حق طبیعی کسانی است که به قواعد بازی احترام می‌گذارند.

«زندگی معمولی» که امروز حسرتش را می‌خوریم، یک رؤیای مبهم نیست، بلکه ساختاری عینی بود که بر سه ستون استوار بود. ستون اول، کار مزدی بود که به امنیت مالی می‌رسید. این یعنی فرد با اتکا به شغل ثابت و تخصص خود، می‌توانست هزینه‌های ماهانه‌اش را پوشش دهد و نگران آینده

نزدیک نباشد. ستون دوم، پس‌انداز بود که به آینده بهتر ختم می‌شد؛ یعنی امکان خرید خانه، خودرو، یا تأمین هزینه ازدواج و تحصیل فرزندان از طریق انباشت تدریجی درآمد وجود داشت. ستون سوم، تحصیلات بود که مسیر تحرک اجتماعی یا ارتقای طبقاتی را هموار می‌کرد. این سه ستون، یک قرارداد اجتماعی قدرتمند ساخته بودند؛ یک عادت‌واره که به میلیون‌ها نفر می‌گفت اگر در این مسیر حرکت کنی، به زندگی بابت‌ها و قابل‌پیش‌بینی خواهی رسید. برای درک عمق حسرت امروزی، باید به دوره‌ای بازگشت که این عادت‌واره‌ها شکل گرفتند و تثبیت شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد بازه زمانی تقریبی

۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹، دوره‌ای بود که در آن جهان «قابل برنامه‌ریزی» به‌نظر می‌رسید. ثبات نسبی نرخ ارز، تورم قابل‌کنترل و کارکرد حداقلی نهادهای رفاهی به افراد اجازه می‌داد برای آینده پنج یا ۱۰ساله خود برنامه‌ریزی کنند. البته تأکید بر این نکته ضروری است که این یادآوری، نوستالژی برای یک «گذشته طلایی» نیست. آن دوره نیز سرشار از مشکلات بود؛ اما تفاوت کلیدی در «پیش‌بینی‌پذیری نسبی» بود. این پیش‌بینی‌پذیری، ریشه در یک قرارداد اجتماعی نانوشته میان دولت و شهروندان داشت که جامعه‌شناسی چون «کوان هریس» آن را تحلیل کرده است. در این تحلیل اینگونه آمده که در خاورمیانه یک میثاق عملی شکل گرفته بود: دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما، بخش وسیعی از نیروی کار تحصیل‌کرده را جذب می‌کرد و با ارائه خدمات عمومی و یارانه‌های گسترده، زیرساخت‌های زندگی معمولی را تأمین می‌کرد. نتیجه مستقیم این قرارداد، پیدایش و گسترش طبقه متوسط شهری جدید بود.

اما از آغاز دهه ۱۳۹۰، ستون‌های این میثاق به‌سرعت شروع به فروریختن کردند. این فروپاشی، مجموعه‌ای از شوک‌های پیاپی بود: همچون اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، بازگشت تحریم‌ها و شوک‌های ارزی ویرانگر، دوره‌های تورم بالا، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمان و آموزش. این تحولات تنها به سقوط برخی دهک‌ها به زیر خط فقر منجر نشدند؛ آنها معادلات ذهنی و عادت‌واره‌های یک ملت را بهم ریختند.

اثر دن کیشوت

نسل متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با این عادت‌واره تربیت شد که سختی تحصیل به‌علاوه کار مولد، مساوی است با زندگی معمولی. اما میدان دهه ۹۰ به یک «میدان جدید» تبدیل شد که در آن، سود از سفته‌بازی و افزایش قیمت دارایی‌ها به‌دست می‌آید، نه از کار مزدی و تخصص. به همین دلیل، فردی که همچنان طبق نقشه قدیمی، صادقانه کار می‌کند، ناگهان در شرایطی قرار می‌گیرد که افزایش رفاهی در کار نیست و قدرت خریدش هر روز کمتر می‌شود. با تمام توان در بهترین دانشگاه‌ها و رشته‌ها درس می‌خواند، اما درنهایت از یافتن یک شغل شرافتمندانه که با منزلت تحصیلاتش همخوان باشد، عاجز می‌ماند. فردی که سال‌ها با وسواس پس‌انداز می‌کند، اما ناگهان می‌بیند تمام آن انباشت ریالی با یک موج توری می‌شود، آب رفته و به هیچ بدل می‌شود. این تلاش‌های مستمر و شکست‌های تحقیرآمیز، او را سردرگم و گیج کرده است؛ گویی تمام تقلاهایش نه برای پیشرفت، که صرفاً برای عقب نماندن از خط بقاست.

برای فهم این سردرگمی عمیق، می‌توان از جامعه‌شناس فرانسوی، «پیری بوردیو»، کمک گرفت. بوردیو از دو مفهوم کلیدی صحبت می‌کند: «عادت‌واره»، که می‌توان آن را به نقشه یا سیستم‌عامل ذهنی ما تشبیه کرد (مجموعه عادت‌ها و انتظاراتی که درونی کرده‌ایم)؛ و «میدان» که همان زمین بازی یا ساختار اجتماعی-اقتصادی عینی است. جامعه بابت‌های جامعه‌ای است که در آن نقشه و میدان با هم سازگارند. مشاهدات و بررسی‌ها گویای آن است که مشکل جامعه ما در دهه اخیر، به این صورت است که در آن «میدان» (اقتصاد) با سرعتی سرسام‌آور تغییر کرده،

اما «عادت‌واره» (انتظارات و الگوهای رفتاری ما) همچنان بر قواعد قدیمی پایبند است. بنابراین تجربه‌ها حاکی از آن است که ویندوز XP را روی سخت‌افزار سال ۲۰۲۵ اجرا کنیم و از دیدن پیام‌های خطا شگفت‌زده می‌شویم. این «ناسازی»، شخصیتی مانند «دن کیشوت» می‌سازد که با ذهنیت شوالیه‌گری در میدانی زندگی می‌کند که از اساس تغییر کرده است. او آسیاب‌های بادی را غول می‌داند و کارهایش که در منطق ذهنی خودش درست بود، اما در دنیای واقعی به شکست و تسمخر منجر می‌شد. اگر به توییت آغازین برگردیم، تجلی دقیق همین اثر است: فردی با عادت‌واره‌ای که برای تخصص ارزش قائل است (نقشه)، وارد میدانی شده که در آن سودهای کلان از سفته‌بازی در بازار خودرو و مسکن به‌دست می‌آید، نه از کار تخصصی و او این حس را تجربه می‌کند که «قواعد بازی عوض شده‌اند، ولی کسی به ما خبر نداده است».

بنابراین در چنین شرایطی، حسرت برای «زندگی معمولی» دیگر یک نوستالژی احساسی نیست؛ بلکه یک واکنش کاملاً منطقی به یک «گسست ساختاری» است. وقتی سرمایه‌گذاری بلندمدت روی تحصیل و مهارت، بازدهی‌ای کمتر از دلالی کوتاه‌مدت دارد، یعنی منطق میدان تغییر کرده است. این حسرت، نشانه‌ای از یک بیماری عمیق‌تر در ساختار فرصت‌هاست که به‌سادگی می‌تواند به خشم عمومی و بی‌اعتمادی مطلق به نهادها منجر شود. حسرت زندگی معمولی، فریاد نسلی است که به جنگ آسیاب‌های بادی اقتصاد سفته‌بازانه فرستاده شده است.

دن کیشوت‌ها در جوک‌های مجازی

جالب آنکه این سرگشتگی دن کیشوت‌های زمانه، در دل شوخی‌ها و کنایه‌های بین‌نسلی در فضای مجازی بازتابی گسترده یافته است. در سال‌های اخیر، محتواهای پر بازدید تولید شده‌اند که دقیقاً همین ناسازگاری میان عادت‌واره نسل قدیم و میدان جدید را به طنز می‌کشند. برای مثال، پدیری را تصور کنید که به پسر موفقی با شغل آزاد و درآمد بسیار بالا، همچنان اصرار می‌کند در آزمون استخدامی آموزش‌وپرورش شرکت کند تا «بیک آب‌باریکه ثابت» داشته باشد. یا این باور ریشه‌دار که تا وقتی «بیمه» برایت رد نمی‌شود، اساساً شغلی نداری، حتی اگر درآمدت چندین برابر یک کارمند رسمی باشد.

این طنزها اغلب نسل دهه ۶۰ را هدف می‌گیرند؛ نسلی که به‌عنوان آخرین بازمانده آن قرارداد اجتماعی شکسته، مدام در حال اشتباه گرفتن آسیاب‌های بادی با غول‌هاست. در این جوک‌ها، آنها افرادی تصویر می‌شوند که از تغییر شغلشان می‌ترسند، محافظه‌کار شده‌اند و نوع پوشش و رفتارشان به این دوره و زمانه نمی‌خورد. این طنزها، درواقع، صورت‌خنده یک تراژدی هستند: روایت نسلی که با تکیه چنانچه منقضی‌شده، در میدانی ناشناخته می‌جنگد و حاصل وفاداری‌اش به قواعد قدیم، چیزی جز تسمخر نیست.

هدف این مطلب، ترسیم گذشته طلایی نیست. هدف، نشان دادن این واقعیت است که در یک بازه زمانی کوتاه، مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی و سیاسی، بسیاری از پیش‌فرض‌های بنیادین مربوط به کار، پیشرفت و تحرک اجتماعی را نابود کردند. قرارداد ناوشته‌ای که به زندگی میلیون‌ها نفر معنا و جهت می‌داد، یک‌شبه باطل شده است.

Genetics منتشر کردند که جهش‌های FOXP۳ در موش‌های مبتلا به بیماری اسکورفی و انسان‌ها با سندرم IPEX بررسی می‌کرد. این تحقیقات پایه‌های علمی گسترده‌ای برای درمان بیماری‌های خودایمنی، بهبود موفقیت پیوند اعضا و مطالعه سرطان فراهم کرد.

در سال‌های بعد، مری برانکو به فعالیت‌های حرفه‌ای خود در مؤسسه زیست‌شناسی سیستم‌ها در «سیناتل» ادامه داد و از سال ۲۰۰۹ به‌عنوان مدیر ارشد برنامه در این مؤسسه مشغول به کار شد. او در این موقعیت به پروژه‌های متنوعی در زمینه ژنتیک، زیست‌شناسی سیستم‌های بیماری، زیست‌شناسی بیماری «لایم» و نشانگرهای «سیسیس» پرداخت و تأثیرات بالینی تحقیقاتش را در درمان و پیشگیری بیماری‌ها گسترش داد. در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۲۵، مری ای. برانکو به‌همراه شیمون ساکاگوچی و فرد رامزدل، جایزه نوبل فیزیولوژی یا پزشکی را برای کشف‌هایشان در زمینه ایمنی محیطی دریافت کردند. کمیته نوبل اعلام کرد این کشف‌ها برای درک نحوه عملکرد سیستم ایمنی و جلوگیری از توسعه بیماری‌های خودایمنی تعیین‌کننده بوده است. آثار علمی برانکو نه‌تنها در علوم پایه، بلکه در توسعه روش‌های درمانی نوین برای بیماری‌های خودایمنی، سرطان و موفقیت پیوند اعضا نیز تأثیرگذار بوده است.

زنان برنده نوبل پزشکی

تا قبل از مری برانکو، ۱۳ زن موفق به دریافت نوبل پزشکی شده بودند. «گرتی کوری»، بیوشیمیدان آمریکایی-چک‌تبار، در سال ۱۹۴۷، اولین زن برنده جایزه نوبل در رشته فیزیولوژی یا پزشکی شد. او و همسرش، کارل کوری، به‌همراه برناردو هاوسای، برای کشف چرخه کاتالیزوری گلیکوژن و متابولیسم آن در ضلالت جایزه نوبل را دریافت کردند.

در سال ۱۹۷۷، «زرلین یالو»، فیزیکنان پزشکی آمریکایی، جایزه نوبل را برای توسعه روش‌های رادیوایونواسی برای اندازه‌گیری هورمون‌های پپتیدی در خون دریافت کرد. این

گزارش

روش در تشخیص بیماری‌ها و ایمن‌سازی خون‌های اهدایی تأثیرگذار بود.

«باربارا مک‌کلین-تاک»، زیست‌شناس آمریکایی، در سال ۱۹۸۳ جایزه نوبل را برای کشف عناصر ژنتیکی متحرک دریافت کرد. او اولین زنی بود که جایزه نوبل را در رشته فیزیولوژی یا پزشکی به‌طور انفرادی دریافت کرد.

در سال ۱۹۸۶ «ریتا لوی موتالیچینی»، عصب‌شناس ایتالیایی، جایزه نوبل را برای کشف فاکتور رشد عصبی دریافت کرد. این کشف به‌طور مستقیم بر درمان بیماری‌های عصبی تأثیرگذار بود.

«لیندا بی. باک»، زیست‌شناس آمریکایی، به‌همراه همکارانش در سال ۲۰۰۴، برای کشف گیرنده‌های بویایی و سازماندهی سیستم بویایی، جایزه نوبل را دریافت کرد. این کشف به‌طور مستقیم بر درک ما از حس بویایی تأثیر گذاشت.

در سال ۲۰۱۴ «می-پریث موزر»، عصب‌شناس نروژی، به‌همراه همکارانش برای کشف سلول‌هایی که سیستم موقعیت‌یابی در مغز را تشکیل می‌دهند، جایزه نوبل را دریافت کرد. این کشف درک پزشکان و محققان را از نحوه مسیریابی در مغز انسان گسترش داد.

«توتو یویو»، داروساز چینی، نیز در سال ۲۰۱۵ جایزه نوبل را برای کشف درمانی مؤثر علیه مالاریا دریافت کرد. او از گیاه «آرتیمیزیا» برای تولید «آرتیمیزین» استفاده کرد، که به‌عنوان درمانی مؤثر در برابر مالاریا شناخته می‌شود.

«کاتالین کاریکوه»، زیست‌شناس مجارستانی-آمریکایی، در سال ۲۰۲۳ جایزه نوبل فیزیولوژی یا پزشکی را دریافت کرد. تحقیقات او بر روی اصلاحات نوکلئوتیدی در RNA و تأثیر آن بر توسعه واکسن‌های mRNA علیه کووید-۱۹ متمرکز بود. این دستاوردها به‌طور مستقیم به پیشرفت‌های کلیدی در درمان بیماری‌های عفونی منجر شد.

«مری برانکو» چهاردهمین زنی است که نوبل پزشکی را برای کشف تحمل ایمنی محیطی دریافت می‌کند. این کشف درک ما را از نحوه عملکرد سیستم ایمنی بدن و پیشگیری از بیماری‌های خودایمنی و سرطان گسترش داده است.

چهاردهمین زن برنده نوبل پزشکی کیست؟

«مری برانکو» علیه بیماری‌های خودایمنی

پیام ما | «مری برانکو» روز گذشته به‌همراه «شیمون ساکاگوچی» و «فرد رامزدل»، از سوی کمیته نوبل به‌دلیل تحقیقات و کشف خود در حوزه ایمنی محیطی به‌عنوان برندگان جایزه نوبل سال ۲۰۲۵ معرفی شدند. کمیته نوبل اعلام کرد این کشف‌ها برای درک نحوه عملکرد سیستم ایمنی و جلوگیری از توسعه بیماری‌های خودایمنی تعیین‌کننده بوده است. برانکو چهاردهمین زنی است که موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی می‌شود.



یاسر مختاری | روزنامه‌نگار

نقشه ژنی و بررسی اثر دما و مواد شیمیایی بر بیان ژن‌های خاص استفاده کرد. این روش بعدها در پژوهشی که منجر به دریافت جایزه نوبل شد نیز به او کمک کرد. درواقع، این پژوهش نخستین تجربه او در ترکیب کار آزمایشگاهی با تحلیل داده‌های ژنتیکی بود -مهارتی که بعدها در پروژه‌های بزرگ‌تر ژن‌درمانی و ایمنی‌شناسی انسانی (به‌ویژه در کشف ژن FOXP۳) نقش کلیدی داشت.

پرداخت که بعداً مشخص شد در عملکرد سلول‌های T تنظیم‌کننده (regulatory T cells) نقش حیاتی دارند. این پژوهش به درک چگونگی پیشگیری از بیماری‌های خودایمنی و حفظ تعادل سیستم ایمنی کمک کرد. یافته‌های اولیه او مسیر تحقیقات بعدی در زمینه اختلالات ایمنی، سندرم IPEX و درمان بیماری‌های خودایمنی را هموار کرد. «دستاوردها» که به شناسایی جهش‌های FOXP۳ در مدل موش‌های مبتلا به بیماری اسکورفی و انسان‌ها با سندرم IPEX منجر شد، پایه‌گذار شاخه‌ای جدید در ایمونولوژی به‌نام «ایمنی محیطی» شد.

برانکو پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه واشینگتن برای تحصیلات تکمیلی وارد دانشگاه پرینستون شد؛ جایی که استادان بزرگی مانند «آلبرت اینشتین» و «جان فوریز نش» در آن تدریس کرده‌اند و زیست‌شناسانی مانند «توماس کید»، «توماس ویسولوف» و «ادوارد او ویلسون» را پرورش داده که موفق به دریافت جوایز نوبل و پولیتزر شده‌اند. این دانشگاه همچنین محل تحصیل «توماس ویلسن»، بیست‌و‌هشتمین رئیس‌جمهور آمریکا و «میشل اوباما»، نخستین بانوی آفریقایی‌تبار ایالات متحده آمریکا، بوده است.

برانکو در پرینستون بیولوژی مولکولی را ادامه داد و بر ایمنی‌شناسی مولکولی متمرکز شد. در پژوهش‌های دوره دکتری خود به بررسی جهش‌ها و عملکرد ژن FOXP۳

ورود به دانشگاه پرینستون

مری برانکو (Mary Brunkow) متولد ۱۹۶۱ در ایالت متحده آمریکا است. او تحصیلات ابتدایی و دبیرستانش را واشنگتن گذراند و پس‌از آن در اواخر دهه ۷۰ میلادی برای تحصیل در رشته زیست‌شناسی سلولی و مولکولی (Molecular & Cellular Biology) وارد دانشگاه واشینگتن (UW) شد.

او در این دوران مطالعه بر روی ژنتیک باکتریایی و تنظیم بیان ژن در سلول‌های پروکاریوتی (مثل E. coli) آغاز کرد و با نوشتن پایان‌نامه خود در این رابطه، در این شاخه از زیست‌شناسی متمرکز شد. پژوهش‌های برانکو در دوران لیسانسش پایه‌ای شد برای مسیر بعدی او در زیست‌شناسی مولکولی پیشرفته و مطالعه ژن‌های انسانی شد.

برانکو در نخستین پروژه مطالعاتی خود از روش‌های اولیه ژنتیک مولکولی مانند تکثیر جهش‌یافته‌ها (mutants)، تعیین